



جایگاه ایفای نقش مقام اجرای مجازات‌ها در نهادهای مبتنی بر خروج موقت و مشروط زندانیان با مطالعه حقوق کیفری ایران، فرانسه و انگلستان

۱ مهدی امیری
۲ احمد رمضانی
۳ ایرج گلدوزیان
۴ سهراب صلاحی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۳/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۹/۱۵

چکیده

از جمله مهمترین مراحل فرآیند کیفری مرحله اجرای احکام است و از همین رو جهت اجرای بهتر مجازات‌ها وجود مقام قضایی مستقلی در مرحله اجرای حکم، لازم و ضروری است. بر این اساس معایب فراوان زندان‌ها و توجه اهداف بازسازی محکومان باعث شده است که تدابیر مختلفی برای کاهش حضور محکومان در زندان پیش‌بینی گردد و در این قالب «مقام اجرای مجازات» در مرحله اجرای حکم و حتی مرحله بعد از اجرای حکم دارای وظایف و اختیاراتی می‌شوند. پیش‌بینی این نهادی در سیستم کیفری بیان گر این است که دخالت و حضور کنشگران عدالت کیفری پس از صدور حکم محکومیت لازم و ضروری است و مقام اجرای احکام فقط اجراکننده مجازات نمی‌باشد و وظیفه او به صرف اجرای مجازات محدود نمی‌شود. بلکه همانطور که از نام او برمی آید این مقام به همراه مددکاران اجتماعی و روانشناسی و جامعه‌شناسان که تحت نظر او به انجام وظیفه مشغول می‌باشند؛ مجازات را اعمال می‌کند و یا به تعبیر دیگر سعی در انطباق احکام با روحیات و شخصیت مجرمین و محکومین می‌نماید. مقام اجرا با هدف فردی ساختن مجازات‌ها وارد سیستم کیفری شده و در زمینه نهاد تعلیق، آزادی مشروط، نیمه آزادی دارای وظایف و اختیاراتی است. مقاله‌ی حاضر در صدد است تا با بررسی تطبیقی با تأکید بر نهادهایی که باعث خروج موقت و مشروط زندانیان از زندان می‌گردد پردازد. در این بستر،

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم، ایران. mehdi.amiri55@yahoo.com

^۲ استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران. (نویسنده مسئول): ramezani.amd@gmail.com

^۳ استاد بازنشسته گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران. joldoz@ut.ac.ir

^۴ سهراب صلاحی، استاد یار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران. salahi.sohrab@gmail.com

تلاش بر این است که بررسی‌ها مختصر و حول محوریت نهادها پی گرفته شود. به نظر می‌رسد که اعطای وظایف قضای به قضات اجرای احکام در برخی از این نهادها باعث تسهیل تحقق اهداف متوقع از آنها شده است، اما در برخی دیگر، ارجاع به صلاح‌دیده‌های قضات صادرکننده مانعی برای ایفای نقش قضای برای قضای اجرای احکام در ایران است.

کلید واژه‌ها

قاضی اجرای احکام، مرخصی از زندان، آزادی مشروط، آزادی موقت، نیمه آزادی.

مقدمه

با لحاظ جایگاه والای مرحله اجرای احکام، در مقطع کنونی اکثر نظام‌های حقوقی دنیا این مرحله را نیز قضایی نموده‌اند و بدین ترتیب از قضات نشسته^۱ استفاده نموده‌اند. در این مسیر، سیستم حقوقی فرانسه نمونه مناسبی در راستای قضایی نمودن مرحله اجرای محکومیت‌های کیفری به حساب می‌آید، با نگاهی کلی به این نظام حقوقی مشخص می‌گردد که مسئولان و سیاستگذاران تقنینی آن کشور با درک کامل از حساسیت بالای مرحله اجرای احکام از قضات آموزش‌دیده‌ای در این خصوص استمداد می‌نمایند. قاضی اجرای مجازات‌ها همانند دادرسی رسیدگی‌کننده به جرایم، یک مقام قضایی است که عهده‌دار رسیدگی به این مهم می‌باشد (بختیاری اصل، ۱۳۹۴، ص ۲) در سوی مخالف، برخی از نظام‌های حقوقی مانند انگلستان جایگاهی را به طور اختصاصی در مرحله اجرای احکام برای یک مقام قضایی مقرر ننموده‌اند؛ بدین ترتیب، رسالت اجرای احکام در نظام حقوقی یادشده عمدتاً بر عهده همان قضات دادگاه صادرکننده حکم قطعی یعنی دادرسان محاکم صلح و کیفری می‌باشد. با این وجود، برخی از نهادها همچون هیأت آزادی مشروط^۲ و نهاد تعلیق مراقبتی^۳ نیز در مقام اجرای مجازات‌ها به قضات دادگاه مساعدت نموده و از این حیث حائز مسئولیت قلمداد شده‌اند. به علاوه اینکه اجرای برخی از کیفرها و نهادهای ارفاق آمیز با نظارت نهادهای اجرایی مانند هیأت وزیران پی‌گرفته می‌شود که این امر باعث می‌شود که اجرای مجازات‌ها در این کشور ماهیتی دوگانه، یعنی قضایی و گاه اجرایی به خود بگیرد.

¹ Sitting judge

² Conditional Freedom Board

³ Probation institution

از جمله مهمترین پاسخ‌های کیفری مرحله‌ی اجرای احکام کیفر حبس است که بیشترین افراد جامعه کیفری را درگیر خود می‌سازد. از همین رو، مهمترین وظایفی که یک مقام اجرای احکام و نهادهای وابسته دارند، در رابطه با زندان و زندانیان و اتخاذ صلاح‌دیدها و بررسی اختیاراتی است که در خروج موقت زندانیان از حبس دارا است (آلبرشت، ۱۳۹۵، ص ۱۱۸). زیرا فرض بر آن است که کیفر حبس تبعات منفی فراوانی را بر محکوم به دنبال دارد. در چارچوب تبیین وظایفی که مجریان احکام کیفری برعهده دارند، بازنشاسی معیار مدار و گونه‌های وظایفی که برای آنها در نهادهای خروج موقت از زندان تعیین شده است جهت‌گیری اساسی مقاله حاضر است که تلاش می‌شود در حوزه‌های مختلف و با نظر به حقوق کیفری کشورهای سه‌گانه‌ی ایران، فرانسه و انگلستان بررسی شود. مولفه‌ی مبنایی در رابطه با مسئول اجرای احکام استقلال این مقام در تصمیمات متخذه است. در واقع از آنجایی که امروزه فردی کردن اجرای مجازات‌ها وارد گفتمان حقوق کیفری شده است، برای نیل به این مهم ناگزیر بر شناسایی استقلال مقام مجری حکم هستیم، مقامی که بتواند با نظارت مستمر بر محکومان کیفری و لحاظ تغییر در رفتارهای آنان نسبت به انطباق هرچه بیشتر کیفر با شخص محکوم تصمیم‌گیری قضایی نماید. در واقع، اگر قصد بر آن است تا بهترین بازدهی از مرحله اجرا نصیب جامعه و فرد بزه‌کار گردد بایستی مقام اجرای احکام از استقلال لازم در تصمیمات خود برخوردار باشد؛ به عبارتی دیگر این مهم که تکالیف و اختیارات مقام مجری حکم بدون اعطای استقلال لازمه در انجام اقدامات محوله باشد، عملاً اراده او را در تصمیم‌گیری‌ها تابع مقام بالاتر می‌نماید که به نحو عینی درگیر این مرحله از فرآیند کیفری نمی‌باشد و در نتیجه نمی‌تواند مرجع مناسبی برای اجرایی نمودن تصمیمات مقام اجرای احکام تلقی گردد، مطابق با مقررات آیین دادرسی کیفری فرانسه، مقام اجرای مجازات‌ها از استقلال لازم در اتخاذ تصمیمات مقتضی در مرحله اجرای حکم برخوردار است، این مقام علاوه بر آن که در زمره قضات نشسته قلمداد می‌گردد، از حوزه گسترده‌ای از اختیارات و تکالیف توأم با استقلال در تصمیم‌گیری، نیز برخوردار می‌باشد؛ بدین ترتیب اصل فردی نمودن اجرای احکام به طور عینی در مقررات حاکم بر نظام کیفری فرانسه، نمایان است. به این ترتیب، مقام اجرای مجازات در فرانسه از آن‌چنان قدرتی برخوردار است که می‌تواند در شرایط مصرح، مجازات را تقلیل، معلق و همچنین از تأسیسات مربوط به جایگزین حبس و غیره استمداد جوید و در این مسیر نیز قانونگذار به این مقام چنین وظیفه و همچنین اختیاراتی را اعطاء نموده است. در حالی که در نظام کیفری ایران وضعیت به گونه دیگری است و عملاً دست قاضی اجرای احکام بسته است. به طور مثال در

ماده ۵۸ ق.م.ا و در نظام آزادی مشروط، قاضی اجرای احکام تنها می‌تواند به دادگاه صادر کننده حکم قطعی، تقاضایی دائر بر صدور رأی بر آزادی مشروط نماید، با این وصف به نظر می‌رسد، وضعیت نهاد مجری حکم در نظام کیفری ایران برخلاف فرانسه آن هم جهت تحقق بخشیدن به اهداف اجرای مجازات‌ها و اجرای اصل فردی کردن اجرای مجازات مثبت و مقتضی جلوه نمی‌نماید.

در طرف مقابل، نهاد اجرای احکام در انگلستان چنان مناسب مورد انشاء قرار نگرفته و اصلاً با نظام جزایی فرانسه قابل قیاس نیست. به عبارتی روشن‌تر، اگرچه فردی نمودن مجازات‌ها در انگلستان نیز با توسل به کیفرهای متنوع جایگزین حبس، تعلیق مجازات و تعویق صدور حکم، پیگیری شده اما در این حوزه، فقدان مداخله‌گری یک مقام قضایی مستقل و جدا از قاضی صادرکننده حکم اصلی، کاملاً به چشم می‌آید.

۱- نقش مقام اجرای مجازات‌ها در خروج موقت زندانی از زندان

خروج موقت از زندان از راهکارهای ارفاق آمیز به منظور اصلاح و بازپروری زندانی، است. یعنی اینکه در مدت مشخصی که محکوم‌علیه در زندان به سر می‌برد بتواند در بازه‌های زمانی مشخص به مدت چند روز از زندان بیرون بیاید و با خانواده و آشنایان خود ملاقات داشته باشد. در واقع یک حمایت انسانی و به نوعی احترام به کرامت ذاتی انسان است. اگرچه شخص محکوم به زندان باید از آزادی محروم شود و مدتی را در فضایی به نام زندان سپری نماید. اما خروج موقت از زندان به طور محدود با احراز شرایط نه تنها منافاتی با فلسفه زندان ندارد، بلکه دارای کارکردهای جرم‌شناختی خواهد بود. (Leka, 2014: 87)

۱-۱- خروج موقت زندانی در حقوق کیفری ایران

تا قبل از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ انتقاداتی نسبت به اینکه قوانین شکلی و ماهوی هیچ توجهی به خروج موقت زندانیان ننموده وجود داشت مقنن این موضوع را به دستگاه قضائی و سازمان زندانها محول کرده است (محمدنژاد، ۱۳۸۲، ص ۳۶۶) دیدگاه جرم‌شناسی انتقادی شایسته است خروج زندانی نیز توسط قوه مقننه مشخص شود تا از اعمال سلیقه‌های مختلف در قالب آیین‌نامه‌ها جلوگیری شود. برای این منظور ماده ۵۲۰ قانون مذکور با هدف احترام به کرامت ذاتی انسانی زندانی و اصلاح و تأدیب او، این حق را برای محکومان پیش‌بینی نموده است، مطابق ماده فوق، محکوم در صورتی می‌تواند از مرخصی استفاده نماید

که علاوه بر رعایت مقررات زندان در برنامه‌های اصلاحی و تربیتی شرکت کرده و امتیازات لازم را نیز کسب نماید. قانونگذار درصدد بوده با وضع این شرط بزهکاران را به رعایت قانون عادت دهد تا به تدریج زمینه را برای رعایت قانون در بیرون از زندان فراهم نماید، مقرر نمودن این شرط تمرین قانونمداری و الزام به آن توسط محکومان است، شرط دیگر، شرکت در برنامه‌های اصلاحی و درمانی می‌باشد، در واقع وقتی که محکوم در طول مدت زندان در برنامه‌های اصلاحی و تربیتی شرکت می‌نماید، وی درصدد اصلاح رفتار خود است و نشان‌دهنده پشیمانی بزهکار از اعمال گذشته است و تضمین‌کننده ارباب خاص، اصلاح و رعایت قوانین بعد از آزادی است، کسب امتیازات لازم توسط محکوم از دیگر شروط است.

ماده ۵۲۰ ق.آ.د.ک دارای کارکرد بزه‌دیده‌شناختی است. در تبصره ۳ این ماده مرخصی می‌تواند با هدف جلب رضایت بزه‌دیده و جبران ضرر و زیان وی صورت گیرد. اگرچه در این تبصره فقط جلب رضایت قید شده، اما در بسیاری از موارد جلب رضایت با جبران ضررمادی و معنوی محقق خواهد شد، همین که شاکی در مدت مرخصی محکوم رضایت دهد، حاکی از این امر است که بزه‌دیده به حقوق خود رسیده یا اینکه احساس انتقام و جبران ضرر در وی وجود ندارد، کارکرد جرم‌شناختی و مساعدتی مرخصی فقط به محکومان به حبس اختصاص ندارد، بلکه شامل افراد محکومان زندانی‌ای می‌شود و به هر دلیلی در زندان هستند، زیرا اهداف جرم‌شناختی مرخصی عام است و شامل تمامی زندانیان می‌شود و همه آنها می‌توانند از این آموزه‌ها بهره ببرند.

به موجب ماده ۵۲۰ قانون مذکور «محکومان می‌توانند در صورت رعایت ضوابط و مقررات زندان و مشارکت در برنامه‌های اصلاحی و تربیتی و کسب امتیازات لازم پس از سپردن تأمین مناسب، ماهانه حداکثر سه روز از مرخصی برخوردار شوند. در موارد بیماری حاد یا فوت بستگان نسبی و سببی درجه یک از طبقه اول یا همسر و یا ازدواج فرزندان، زندانی می‌تواند به تشخیص دادستان حداکثر تا پنج روز از مرخصی استفاده نماید تعیین مقررات موضوع این ماده و امتیاز هر یک از برنامه‌های اصلاحی و تربیتی، چگونگی انطباق وضعیت زندانیان با شرایط تعیین شده و نحوه اعطای مرخصی به آنان به‌موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. تبصره ۱- در موارد شمول قسمت دوم این ماده، در صورت عجز از فراهم نمودن تأمین، اعزام محکوم تحت مراقبت مأموران، یک روز در ماه و به مدت ده ساعت بلامانع است. تبصره ۲- اعزام متهمان بازداشت شده به مرخصی تنها به مدت و به شرح

مقرر در تبصره فوق و با نظر مرجع صدور قرار جایز است. تبصره ۳- در مواردی که زندانی دارای شاکی خصوصی است و بنا به تشخیص دادستان یا قاضی اجرای احکام، اعطای مرخصی می‌تواند در جلب رضایت شاکی مؤثر باشد، زندانی می‌تواند علاوه بر مرخصی مذکور در این ماده پس از سپردن تأمین مناسب، در طول مدت حبس یک نوبت دیگر و حداکثر به مدت هفت روز از مرخصی استفاده نماید. در صورتی که محکوم بتواند بخشی از خسارت شاکی را پرداخت یا رضایت او را جلب کند، این مرخصی فقط برای یکبار دیگر به مدت هفت روز تمدید می‌شود. تبصره ۴- محکومانی که به موجب قانون مشمول مقررات تعلیق اجرای مجازات نمی‌شوند، پس از تحمل یک سوم از میزان مجازات با رعایت شرایط مندرج در صدر ماده و به تشخیص دادستان می‌توانند در هر چهار ماه حداکثر پنج روز از مرخصی برخوردار شوند. تبصره ۵- رئیس قوه قضائیه می‌تواند به مناسبت‌های ملی و مذهبی علاوه بر سقف تعیین شده در این قانون، حداکثر دو بار در سال به زندانیان واجد شرایط، مرخصی اعطاء کند. تبصره ۶- مواردی که شخص باید به موجب مقررات شرعی به‌طور دائم در زندان باشد از شمول مقررات این ماده و تبصره‌های آن خارج است.

در صورتی که زندانی شرایط مرخصی را احراز نماید آیا مقامات مسئول اعطاء مرخصی به زندانی تکلیفی در مورد صدور مرخصی برای زندانی دارند؟ نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه مورخ ۱۳۷۱/۱۱/۱۳ به شماره ۱۱۵۴۵ و ۷/۹۶/۲۵۲۴ مورخ ۹۶/۱۰/۲۰ به این سوال پاسخ مثبت داده و اعلام داشته‌اند که مرخصی در زمره حقوق زندانی است و در صورتی که شرایط استفاده از آنرا داشته باشد باید از آن برخوردار شود، لکن برخی از اعطای مرخصی به زندان را خلاف قانون دانسته‌اند. (آخوندی، ۱۳۹۵، ص ۹۷) زیرا مطابق اصل ۷۱ قانون اساسی اختیار قانونگذاری در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی از وظایف مجلس شورای اسلامی است و مقامات اجرایی مطابق اصل ۱۳۸ قانون اساسی حق دارند برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب نامه و آیین‌نامه بپردازد و ریاست قوه قضائیه نیز فقط تهیه لوایح قضایی و ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل ۱۵۶ را عهده دار می‌باشد. بنابراین اعطای مرخصی به زندانیان که همانا قطع اجرای مجازات می‌باشد خارج از حدود اختیار و وظایف رئیس قوه قضائیه و مقامات اجرایی است، برخی دیگر از حقوقدانان عقیده دارند که مرخصی یک حق مشروط است برخوردار محکومان از مرخصی مشروط به رعایت مقررات زندان و مشارکت در برنامه‌ها اصلاحی و کسب امتیازات لازم پس از سپردن تأمین مناسب شده است، (مهدی و کاظمپور،

۱۳۹۷، ص ۱۲۳) ماده ۵۲۲ ق.آ.د.ک به این بحث نظری خاتمه داده شده و مقرر می‌دارد که «زندانیانی که دوران محکومیت به حبس را سپری می‌کنند می‌توانند مطابق مقررات مربوط با دادن تامین مناسب از مرخصی استفاده کنند. اخذ تامین به عهده قاضی اجرای احکام کیفری و تابع مقررات این قانون است.» با این همه وجود همین یک ماده کافی به مقصود نیست و ضروری است که نویسندگان قانون آیین دادرسی کیفری خروج موقت را جهت آماده سازی محکوم برای بازپروری شغلی یا اجتماعی و حفظ پیوندهای خانوادگی او یا اجازه انجام الزامی که حضور او را ایجاب کند، به رعایت یک یا چند الزام یا ممنوعیت منوط می‌کردند و همچنین در صورت محکومیت برای جرائم عمدی ارتكابی در زمان مرخصی قاضی اجرای احکام کیفری بتواند تصمیم بگیرد که محکوم امکان انتفاع از تخفیف‌های مجازات را از دست بدهد. ضمناً هر محکوم بتواند در شرایط ویژه‌ای به صورت استثنائی اجازه خروج تحت‌الحفظ را به دست آورد، نکته دیگری این ماده، اینکه خروج موقت زندانی منوط به تامین مناسب گردیده که از وظایف قاضی اجرای احکام می‌باشد، تبعیض بسیار ناروایی میان زندانیان متمکن و مستضعف به وجود آمده است زیرا استفاده از ارفاق مستلزم سپردن وثیقه و یا معرفی کفیل است زندانیانی که متمکن نیستند هستند از استفاده عاجز خواهند بود و در نتیجه بخش عمده‌ای از مجازات برای زندانیان متمکن اجرا نخواهد شد در حالی که زندانیان فقیر همه مجازات را تا روز آخر باید تحمل کنند. (احمدی موحد، ۱۳۸۷، ص ۱۸۶)

۱-۲- خروج موقت زندانی در حقوق کیفری فرانسه

سازمان امور زندان‌ها یکی از نهادهایی است که از دیر باز مسئول اجرای مجازات‌ها می‌باشد در بعضی از کشورها در کنار این ارگان‌ها و نهاد اداری تأسیس دیگری نیز قرار داده شده که این تأسیس نیز به امور اجرای مجازات‌ها می‌پردازد. در سیستم قضایی - بخش امور کیفری در کشور فرانسه این تأسیس به نام قاضی اعمال کننده مجازات‌ها نامیده می‌شود. که به موجب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۹۸۵م به وجود آمده است، در حقوق کیفری شکلی این کشور نیز خروج موقت زندانی که در ترجمه متون قانونی کلمه «مرخصی» از آن نام می‌برند، به عنوان یکی تدابیر ارفاق‌آمیز نسبت به محکوم به رسمیت شناخته شده است، در این نهاد قاضی اجرای احکام نقش تعیین کننده دارد. طبق ماده ۵-۷۱۲ از قانون آ.د.ک فرانسه «جز در صورت فوریت موضوع، قرارهای راجع به تخفیف مجازات‌ها، مجوزهای خروج تحت‌الحفظ و مرخصی‌ها بعد از نظر کمیسیون اجرای مجازات‌ها، صادر می‌شوند». از طرفی در قسمت اخیر ماده ۸-۷۱۲

چنین مقرر شده است که «... با این وجود، برای اجرای تدبیر نیمه آزادی، زندان باز یا استقرار تحت نظارت الکترونیکی یا برای اجرای مرخصی‌ها، قاضی اجرای مجازات‌ها می‌تواند در تصمیم خود به رئیس موسسه زندان یا مدیر واحد بازپروری و تعلیق مراقبتی اداره زندان‌ها یا در موضوع اطفال، مدیر منطقه‌ای حمایت قضایی از جوانان - در راستای تغییرات مناسب برای محکوم که تعادل تدبیر را برهم نزند - اجازه اصلاح ساعات ورود و خروج محکوم به موسسه زندان با حضور او در محل معین را بدهد. او فوراً از تغییرات اعمال شده مطلع می‌گردد و با قرار غیر قابل اعتراضی می‌تواند آنها را باطل نماید».

به‌طور کلی بر اساس ماده ۳-۷۲۳ «مرخصی به یک محکوم اجازه می‌دهد تا در طول دوره زمانی معینی که براساس مدت مجازات در حال اجرا محاسبه می‌شود، در مؤسسه زندان حضور نداشته باشد. هدف مرخصی، آماده‌سازی محکوم برای بازپروری شغلی یا اجتماعی و حفظ پیوندهای خانوادگی او با اجازه انجام الزامی است که حضور وی را ایجاب می‌کند.» بنابراین تشریح هدف از مرخصی خود باعث می‌شود که نهاد قاضی اجرای احکام در راستای تحقق آن هدف تلاش نماید. در همین راستا ماده ۴-۷۲۳ مقرر می‌دارد که «قاضی اجرای مجازات‌ها می‌تواند اعطای ... مرخصی به محکوم را به رعایت یک یا چند الزام یا ممنوعیت پیش‌بینی شده توسط مواد ۴۴-۱۳۲ و ۴۵-۱۳۲ قانون جزا منوط نماید». از یک طرف که نقش مهم قاضی اجرای احکام در این نهاد به رسمیت شناخته شده است، به علاوه امکان تعیین دستورات و تعهدات اصلاح مدار، نکته‌ای است که باعث می‌گردد هدف از خروج موقت زندانی محقق گردد. با بررسی قوانین موضوعه فرانسه خصوصاً قانون آیین دادرسی مهم مواردی که قاضی اجرای مجازات می‌تواند مرخصی زندانیان را صادر نماید: (تاج زمان، ۱۳۷۶، ص ۳۴۷) ۱- پیش آمدهای غیرمترقبه در خانواده (بیماری یا فوت یکی از منسوبین نسبی یا سببی درجه یک) ۲- به منظور ملاقات با کارفرما یا مؤسسه‌ای که قصد دارد زندانی را که شرف آزادی و یا استفاده از آزادی مشروط یا رژیم نیمه آزادی است استخدام نماید. ۳- شرکت در امتحانات رسمی آخر سال ۴- برای انجام آزمایشات پزشکی، روانپزشکی یا روانی ۵- جهت تنظیم مدارک لازم برای خدمت نظام وظیفه ۶- اجازه خروج در روزهای تعطیل یا بیکاری در صورتی که رژیم نیمه آزادی در مورد محکوم اجرای شود. ۷- جهت حضور در دادگاه‌های قضایی یا اداری حداکثر مدت خروج برای حوادث و پیش آمدهای غیرمترقبه خانوادگی سه روز است، محکومینی که در مؤسسات اجرای مجازات حبس نگهداری می‌شوند می‌توانند پس از گذراندن یک سوم مدت محکومیت به مدت پنج روز و حداکثر ده روز یک مرتبه در هر سال از زندان

مرخصی بگیرند، زندانیانی می‌توانند از سه روز مرخصی استفاده نمایند که مدت محکومیت آنان به کیفر سالب آزادی کمتر از پنج سال باشد، هرگاه مدت محکومیت بیش از پنج سال حبس باشد بایستی نصف مدت مجازات حبس در مورد محکوم اجرا شده باشد و بیش از سه سال به اتمام مجازات حبس باقی نمانده باشد. مدت فاصله زندان با محل بازدید زندانی در احتساب مدت اجازه خروج منظور می‌شود، نکته بعدی اینکه مرخصی زندانی نباید همراه با ارتکاب جرم باشد، در این صورت، ماده ۵-۷۲۳ قانون آ.د.ک این کشور ضمانت اجرای ارتکاب جرم را پیش بینی کرده است «بدون خدشه به اجرای ماده ۲۹-۴۳۴ قانون جزا، در صورت محکومیت برای جنایت یا جنحه عمدی ارتكابی در حین مرخصی، دادگاه می‌تواند تصمیم بگیرد که محکوم، انتفاع از تخفیف‌های مجازات که قبلاً با آن موافقت شده است را از دست خواهد داد».

۳-۱- خروج موقت زندانی در حقوق کیفری انگلستان

در ابتدا باید گفت که سازمان زندان‌های کشور انگلستان از نظر تشکیلاتی جزء وزارت کشور قرار دارد این سازمان در ۱۵ حوزه جغرافیایی تحت نظارت یک مدیرکل که کمیسیون زندان‌ها را نیز ریاست می‌کند سازمان را داده می‌شود از آوریل ۱۹۹۳ تا آوریل ۱۹۹۲ تصمیم مارس ۱۹۹۲ مبنی بر تبدیل سازمان زندان‌ها به یک سازمان اداری مستقل به دنبال توصیه و پیشنهادهای مندرج در گزارش دریا سالار سردیموند لیگو اعلام شد، بنابراین سازمان زندان‌ها به وسیله کمیسیون مدیریت به ریاست یک مدیر کل که از طریق استخدام عمومی تعیین و منصوب می‌شود، اداره می‌گردد. مدیر کل مستقیماً در مقابل وزیر کشور مسؤول می‌باشد. کمیسیون نظارت، تحت ریاست وزیر نظر مسؤول زندان‌ها در چارچوب وزارت کشور نیز ایجاد شده است (بارکلی، ۱۳۷۵، ص ۳۷۲).

در حقوق انگلستان^۱، خروج موقت تحت عنوان Temporary Release مطرح شده است، اعطای آزادی موقت در قاعده ۹ قواعد زندان^۲ ۱۹۹۹ و دستورالعمل ۲۰۰۵ / ۲۰۱۱ برای روسای زندان‌ها تبیین گشته است. علاوه بر این، احکام خدمات زندان^۳ به شماره‌های ۶۰۰۰ و ۶۳۰۰ از جمله اصلی‌ترین متونی است که در عمل تبیین‌کننده شیوه و شرایط اجرای آزادی موقت زندانیان است که به ترتیب مصوب سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۴ هستند. بدیهی است که

^۱ - عمده مطالب آتی برگرفته از <http://www.legislation.gov.uk>

^۲ Prison Rule 9

^۳ Prison Service Order

کلیات آزادی زندانیان در مقررات عاملی چون قانون نظام عدالت کیفری^۱ ۲۰۰۳ آمده است. براین اساس، مجوز آزادی موقت (Release on temporary licence (ROTL)) یعنی آزادی با جواز ارفاقی (ترحم‌آمیز)، آزادی با جواز تسهیلی و آزادی با جواز جهت ادغام مجدد محدود گردیده است. این مجوز، به معنای آزادی پیش از موعد نیست، بلکه تدبیری است که به موجب آن، به زندانی در جهت حضور در فعالیت‌های ضروری خارج از زندان کمک می‌کند. با این وجود دسته‌ای از زندانیان نظیر زندانیان گروه A، زندانیانی که در لیست فرار قرار دارند، زندانیان محکومیت نیافته یا تعیین مجازات نشده و زندانیان در معرض استرداد، شایستگی دریافت برخی از اشکال آزادی موقت را ندارند، پیش از اعطای آزادی موقت، یک ارزیابی از خطر در مورد زندانی صورت گیرد و فاکتورهای نظیر اینکه آیا ریسک غیرقابل قبولی جهت ارتکاب جرائم دیگر از سوی زندانی وجود دارد یا خیر؟ آیا آزادی وی تهدیدی علیه امنیت می‌باشد یا خیر؟ لازم است مدنظر قرار گیرند.

نکته دیگر اینکه ممکن است قبل از اعطای آزادی موقت، یک نمونه تست اجباری اعتیاد از زندانی گرفته شود که در صورت مثبت بودن، آزادی وی لغو خواهد شد. همچنین در صورتی که زندانی شرایط مقرر در حکم آزادی با جواز را رعایت ننماید در معرض مجازات‌های انضباطی قرار خواهد گرفت و چنانچه مرتکب جرم دیگری گردد، دیگر آزادی موقت دریافت نخواهد کرد مگر اینکه وزیر کشور بر این باور باشد که آزادی وی اعتماد عمومی نسبت به اجرای عدالت را خدشه دار نخواهد کرد.

آزادی موقت در نظام کیفری انگلستان به آزادی با جواز ارفاقی (ترحم‌آمیز)^۲، آزادی با جواز تسهیلی^۳ و آزادی با جواز جهت ادغام مجدد^۴ تقسیم‌بندی می‌شود، در آزادی با جواز ارفاقی (ترحم‌آمیز): این نوع از آزادی اولین شکل از آزادی موقت بوده و به دلایل شخصی استثنایی نظیر عیادت از خویشاوندان نزدیک مشرف به موت، شرکت در مراسم خاکسپاری و با اوضاع و احوال شخصی غم‌انگیز به زندانیان اعطا می‌گردد، در اینجا منظور از «خویشاوندان نزدیک»^۵، همسر، والدین و فرزندان بوده و دیگر خویشاوندان را شامل نمی‌گردد، مدت این آزادی متضمن زمان کافی برای شرکت در مراسم خاکسپاری و پس از آن یک ساعت در مراسم عزاداری است،

¹ The Criminal Justice Act

² Compassionate Licence

³ Facility Licence

⁴ Resettlement Licence

⁵ Close Relatives

اما زندانیانی که مسئولیت کودکان و خویشاوندان خود را در زمان آزادی برعهده دارند، این دوره زمانی برای آنها حداکثر تا پنج روز می‌باشد، شکل دیگر آزادی موقت ارفاقی، آزادی موقت برای ازدواج یا دیگر مراسم مذهبی است و بالاخره شکل نهایی این آزادی، آزادی برای انجام معاینات پزشکی است. این فرم از آزادی بدون اسکورت خواهد بود، نوع دیگر از آزادی موقت، آزادی با جواز تسهیلی است. این نوع آزادی جهت قادر ساختن زندانیان برای شرکت در دوره‌هایی نظیر کار، برنامه‌های آموزشی یا بازپس‌گیری اموال شخصی، شرکت و حضور در رسیدگی‌های قانونی می‌باشد، روسای زندان‌ها موظفند قبل از اعطای این نوع آزادی سازنده بودن یا نبودن فعالیت موردنظر و امکان انجام آن در بیرون از زندان را مورد بررسی قرار داده و زمانی که اعطای آن به زندانی موجب نگرانی عمومی گردد از اعطای این آزادی خودداری نمایند، علاوه بر گروه‌هایی که به طور کلی فاقد صلاحیت لازم جهت دریافت آزادی موقت می‌باشند، زندانیان گروه B نیز نمی‌توانند تقاضای آزادی با جواز تسهیلی نمایند و زندانیان با محکومیت معین تنها پس از گذراندن حداقل یک چهارم از مجازاتشان، واجد صلاحیت برای تقاضا کردن می‌شوند. محکومین به حبس ابد نیز براساس تقریباً همان دلایلی که در مورد آزادی با جواز ارفاقی مطرح است، می‌توانند تقاضای آزادی با جواز تسهیلی را بنمایند، آزادی موقت تسهیلی معمولاً برای مدتی که متجاوز از پنج روز متوالی نیست اعطا می‌گردد. جوازهای تسهیلی مکرری می‌تواند جهت کار در طرح‌های بیرون زندان و برنامه‌های آموزشی و تحصیلی داده شود. همچنین به لحاظ شیفت کاری ممکن است زندانی شبانه به بیرون از زندان برود، در مورد محکومین به حبس ابد نیز باید گفت، اعطاء آزادی موقت تسهیلی معمولاً برای یک روز صورت می‌گیرد و آزادی بیشتر از سه روز اجازه دفتر مرکزی را می‌طلبد آزادی با جواز جهت ادغام مجدد به منظور حفظ ارتباطات خانوادگی و اجتماعی و انجام ترتیبات مناسب برای مسکن، کار و آموزش به زندانی اعطا می‌گردد، نقطه زمانی که زندانیان محکوم به حبس معین در آن واجد صلاحیت برای دریافت این نوع آزادی می‌گردند، به طول مجازات و تاریخ شروع مجازاتشان بستگی دارد. بنابراین زندانیانی که محکومیت کمتر از ۴ سال را طی می‌کنند، می‌توانند بعد از گذراندن یک سوم دوره حبس یا چهار ماه بعد از شروع مجازات تقاضای دریافت این نوع آزادی را بنمایند.

محکومین به حبس ابد هم چنانچه یک وعده آزادی مشروط دریافت ندارند، تنها پس از گذراندن ۹ ماه در شرایط باز می‌توانند تقاضای آزادی موقت جهت ادغام مجدد را بنمایند، در

غیراین صورت وضعیت به همان صورتی است که در مورد نوع قبلی آزادی، یعنی آزادی با جواز ارفاقی و تسهیلی گفته شد (Angle Devlin, 1996, p. 114)

بنابراین می‌توان دریافت که در حقوق کیفری انگلستان برخلاف نظام کیفری ایران و فرانسه اعطای آزادی موقت اصالتاً از اختیارات وزیر کشور بوده است ولی وی می‌تواند این اختیار را به روسای زندان‌ها تفویض کند بر همین اساس اعطای این نهاد جنبه اجرایی دارد اما با مذاقه در مقررات کیفری ایران خصوصاً آماده ۴۸۹ ق.آ.د.ک در بیان وظایف و اختیارات قاضی اجرای احکام مقنن در بند پ از عبارات «اعلام نظر» استفاده نموده در این تقدیر از جمله موارد استثنائی می‌باشد که قانونگذار استقلال در تصمیم‌گیری قاضی اجرای احکام کیفری با عبارت «اعطای» مورد پذیرش قرار داده و این خود یکی از نقاط قوت قانونگذار این نسبت به کشور انگلستان می‌باشد.

۲- نقش مقام اجرای مجازات‌های نظام نیمه آزادی

افزایش بزهکاری و عدم کارآیی بسیاری از کیفرهای سنتی، سیاست‌گذاران جنایی را بر آن داشت تا در شیوه‌های پاسخ دهی به رفتار مجرمانه تغییراتی را پدید آورند. از جمله آنها مجازات‌های بینابین است که به دنبال جنبش الغای کیفر حبس (Sevdiren, 2011, p. 116) و به عنوان یکی از شیوه‌های کاهنده کیفر ایجاد گردد. در این راستا برای پاسخ دهی به شماری از گونه‌های بزهکاری و برخی از بزهکاران، وفق اصل حداقلی کیفر می‌توان از روش‌های جدیدی حتی با صبغه غیرقهرآمیز بهره جست. نظام نیمه آزادی، کاربست مجازات‌های بینابینی است برای پاسخ دهی به محکومان مجازات‌های سالب آزادی، که ثمره آن، حبس زدایی و کاهش جمعیت کیفری می‌باشد (خواجهوند چتن و صفایی آتشگاه، ۱۳۹۵، ص ۹۹)

اینک نقش مقام اجرای احکام کیفری در هر یک از نظام‌های سه گانه موضوع این مقام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- نظام نیمه آزادی در حقوق کیفری ایران

در نظام نیمه‌آزادی افرادی که محکوم به حبس‌های سبک هستند می‌توانند در ضمن حبس فعالیت‌های دیگری را در بیرون از زندان نیز انجام دهند. این فعالیت‌ها ارتباط بزهکار با محیط خارج حفظ نموده و با توجه به شرایط ضمن آن، جنبه کنترلی نیز دارد. این نظام که به موجب آن محکوم شغل خود را در محیط خارج از زندان حفظ می‌نماید و شب‌ها و روزهای تعطیل را

در زندان سپری می‌کند، مطابق ماده ۵۵۶ ق.آ.د.ک نظام نیمه‌آزادی شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم‌علیه می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس به فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان زیر نظر مراکز نیمه‌آزادی انجام دهد. مطابق ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی نیز محکومان قطعی به حبس‌های تعزیری درجه ۵، ۶ و ۷ مشروط به گذشت شاک، سپردن تأمین مناسب، تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و درمان اعتیاد یا بیماری، محکوم را با رضایت وی مشمول این نظام قرار داده است. لازم به ذکر است که این نظام هم در ابتدای صدور حکم و هم در حین تحمل حبس نیز قابل استفاده است؛ زیرا مطابق قسمت اخیر ماده ۵۷ قانون فوق محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات حبس در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه‌آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است، اگرچه با اجرایی شدن این نهاد می‌توان از بسیاری از مضرات زندان از جمله تعدیل هزینه‌ها و کاهش جمعیت آن اجتناب کرد، اما به نظر می‌رسد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با نگاهی جرم‌شناسانه به دنبال اهدافی چون اصلاح یا حمایت بزه‌دیده است. مطابق ماده ۵۵۳ این قانون در جرایم مشمول نظام نیمه‌آزادی و سامانه‌های الکترونیکی، قاضی اجرا می‌تواند پس از وصول گزارش شورای طبقه‌بندی زندان و نظریه مددکاران اجتماعی، مبنی بر آنکه اجرای یک فعالیت شغلی یا حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان پزشکی، از سوی محکوم‌علیه در خارج از محیط زندان، در فرآیند اصلاح وی و یا جبران ضرر و زیان بزه‌دیده مؤثر است، به دادگاه صادرکننده حکم، پیشنهاد اجرای نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی را طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بدهد و مطابق تصمیم این دادگاه اقدام کند، با توجه به این ماده قاضی اجرای احکام در صورتی می‌تواند پیشنهاد این نظام را به دادگاه صادر کننده حکم بدهد که در اصلاح بزهکار یا جبران ضرور و زیان مادی و معنوی بزه‌دیده مؤثر باشد. مطابق این ماده باید گفت شرط استفاده از این نهادها تحقق اهداف جرم‌شناختی مجرم‌محوری (اصلاح) یا بزه‌دیده‌محوری (جبران ضرر و زیان) است و اگر این احتمال وجود نداشته باشد چنین نهادی قابل استفاده نیست، (دعاخوان، ۱۳۹۴، ص ۴۵) کارایی این نهادبستگی به استفاده ضابطه‌مند دستگاه عدالت کیفری دارد و مرجع قضایی باید با قاطعیت به وی تفهیم نماید که فلسفه استفاده از این مجازات، دادن فرصت جهت اصلاح و جبران ضرر و زیان بزه‌دیده می‌باشد. لذا محکوم‌علیه استفاده از آن باید این احساس را بنماید و آن را لطفی در حق خود بداند و چنانچه تصور کند آزادی‌اش به دلایل اقتصادی مانند کاهش هزینه دولت یا

تقلیل جمعیت زندانها صورت گرفته است به جای این احساس در قبال جامعه، خود را برنده فرایند تعقیب و مجازات خواهد دانست (بابایی و غلامی، ۱۳۹۱، ص ۷۴)

به موجب ماده ۵۵۴ ق.آ.د.ک قاضی اجرا پس از موافقت دادگاه با پیشنهاد موضوع ماده فوق (ماده ۵۵۳) با اخذ تأمین متناسب از محکوم علیه دستور اجرای تصمیم دادگاه را صادر و مراتب را به زندان اعلام می‌کند، ظاهراً محکوم به صرف صدور حکم نیمه آزادی از زندان آزاد نمی‌شود مگر تعهد و تأمین مذکور در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ را وفق ماده ۵۵۴ مذکور به قاضی مجری حکم بدهد. البته تعهد می‌تواند قبل یا بعد از پیشنهاد قاضی مجری حکم یا صدور حکم نیمه آزادی توسط دادگاه باشد، لذا اگر محکوم تعهد یا تأمین ندهد، حکم نیمه آزادی اجرا نشده و محکوم از زندان آزاد نمی‌شود (شاهچراغ و حاجیلو، ۱۳۹۵، ص ۲۹۱)

ماده ۵۵۵ مذکور مقرر می‌دارد: «صدور حکم - نظام نیمه آزادی طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی و دستور یا دستورهای قاضی اجرای احکام کیفری، آثار عدم تبعیت محکوم علیه یا متهم از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید به شاکی یا مدعی خصوصی ابلاغ می‌شود. چنانچه محکوم علیه یا متهم در مدت مزبور بدون عذر موجه از دستور یا دستورهای قاضی اجرای احکام کیفری تبعیت نکنند، یا مرتکب جرم عمدی شود، شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند مراتب را به قاضی اجرای احکام کیفری برای اجرای مقررات مربوط اعلام کند» همچنین، ماده ۵۵۶ محکوم علیه را ملزم می‌دارد که امکان نظارت مأمور مراقبتی را فراهم سازد. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «محکوم علیه یا متهم مکلف است حسب مورد در طول دوره..... نظام نیمه آزادی امکان نظارت مأمور مراقبتی را به شیوه‌ای که قاضی اجرای احکام کیفری مشخص می‌نماید، فراهم آورد و هرگونه اقدامی از قبیل تغییر شغل یا محل اقامت، که اجرای کامل نظارت را با دشواری مواجه می‌سازد از قبل به اطلاع قاضی اجرای احکام کیفری برساند.»

ماده ۵۷۷ نیز اضافه می‌کند: «نحوه اجرای قرار..... نظام نیمه آزادی، مطابق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی..... به موجب آیین نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور و رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمین و تربیتی کشور تهیه شده و پس از تأیید رئیس قوه قضاییه به تصویب هیات وزیران می‌رسد.»

ماده ۵۵۸ قانون آ.د.ک. اضافه می‌کند: «چنانچه اقامتگاه اشخاص مشمول... نظام نیمه آزادی....، در حوزه قضایی دیگری غیر از حوزه قضایی دادگاه صادر کننده رأی باشد، اشخاص مذکور می‌توانند اجرای تصمیم مذکور را در محل اقامت خود تقاضا نمایند. در این صورت قاضی مجری حکم با اعطای نیابت به قاضی اجرای احکام حوزه اقامت آنان، تمامی دستورات دادگاه و

واحد اجرای احکام و شرایط مقرر در رأی را به قاضی مجری نیابت اعلام می‌نماید و موارد مذکور تحت نظارت قاضی مرجوع الیه اجرا می‌شود.»

۲-۲- نظام نیمه آزادی در حقوق کیفری فرانسه

مطابق با قانون جزای فرانسه هرگاه دادگاه مرجع رأی، حکم به مجازاتی معادل کم‌تر از یک سال حبس بدهد می‌تواند نسبت به محکومی که دلیل آموزشی یا کلاس حرفه‌ای یا دوره کارآموزی یا یک شغل موقت یا حضور مداوم وی در یک دوره آموزشی یا کلاس حرفه‌ای یا دوره کارآموزی یا یک شغل موقت به منظور بازپروری اجتماعی او یا شرکت فعال در زندگی خانوادگی خود یا الزام به تحمل یک درمان پزشکی که مجازات حبس تحت رژیم نیمه آزادی اجرا خواهد شد، محکومی که با استفاده وی از نیمه آزادی موافقت می‌شود موظف است به زندان بازگردد براساس شیوه‌هایی که توسط قاضی اجرای مجازات‌ها اتخاذ می‌شود با در نظر گرفتن زمان لازم برای فعالیت، آموزش، یادگیری حرفه‌ای، دوره کارآموزی، شرکت در زندگی خانوادگی یا درمان که با توجه به آن‌ها با رژیم نیمه آزادی موافقت شده است، در حقوق فرانسه علاوه بر قانون جزا در قانون آیین دادرسی کیفری نیز مقررات تفصیلی در رابطه با نیمه آزادی و نقش قاضی اجرای پیش بینی شده است. به موجب ماده ۷-۱-۷۲۳ در صورت محکومیت به یک یا چند مجازات سالب آزادی که مدت کلی آنها از دو سال تجاوز نمی‌کند یا هنگامی که یک یا چند مجازات سالب آزادی که مدت کلی آنها از دو سال تجاوز نمی‌نماید، برای محکوم باقی مانده است، قاضی اجرای مجازات‌ها می‌تواند در نظر بگیرد که مجازات تحت نظام نیمه آزادی یا زندان باز اجرا خواهد شد. مدت‌های دو سال پیش بینی شده توسط بند حاضر، در صورتی که محکوم در حالت تکرار جرم قانونی قرار داشته باشد، به یکسال کاهش می‌یابد. همچنین قاضی اجرای مجازات‌ها می‌تواند آزادی مشروط محکوم را به صورت آزمایشی به اجرای تدبیر نیمه آزادی یا زندان باز برای یک دوره حداکثر یکساله منوط نماید. تدبیر نیمه آزادی یا زندان باز می‌تواند یک سال پیش از پایان مدت آزمایشی مذکور در ماده ۷۲۹ اجرا گردد.»

همچنین بر اساس ماده ۲-۷۲۳ «هنگامی که مقررات ماده ۲۵ - ۱۳۲ قانون جزا اجرا شده باشد، قاضی اجرای مجازات‌ها شیوه‌های اجرای نیمه آزادی یا زندان باز را با قرار غیر قابل اعتراض در یک مدت حداکثر چهار ماهه از تاریخی که محکومیت لازم الاجراست، معین می‌کند. اگر شرایطی که به دادگاه اجازه داده است تا تصمیم‌گیری نماید که مجازات تحت نظام نیمه آزادی یا زندان باز سپری شود، دیگر فراهم نشود و اگر محکوم از الزاماتی که به او تحمیل

می‌شود، راضی نباشد یا اگر دلیلی بر سوء رفتار محکوم وجود داشته باشد، انتفاع از تدبیر می‌تواند توسط قاضی اجرای مجازات‌ها بر طبق مقررات ماده ۶-۷۱۲ مسترد شود. اگر شخصیت محکوم یا شیوه‌های موجود، این موضوع را توجیه کنند، قاضی اجرای مجازات‌ها می‌تواند بنا بر همان شیوه‌ها، تدابیر نیمه آزادی را جانشین تدبیر زندان باز یا برعکس نماید یا به جای یکی از این تدابیر، تدبیر استقرار تحت نظارت الکترونیکی را برگزیند.

۳-۲- نظام نیمه آزادی در حقوق کیفری انگلستان

در انگلستان نیز پیدایش اولین زندان به شکل امروزی، به ۱۶م بر می‌گردد. در سال ۱۵۵۷ در لندن قصر متروکی به نام بریدول برای نگهداری ولگردان اختصاص یافت در این زندان کار الزامی و روشهای تربیتی نیز در مورد محکومین اجرا می‌گردید. سپس در سال ۱۷۹۷ در انگلستان اولین زندان انفرادی افتتاح شد. (مجیدی بیدگلی و صفاکیش کاشانی، ۱۳۸۶، ص ۳) براساس گزارش رسانه‌های گروهی، تعداد زندانیان انگلستان با حدود ۷۴ هزار نفر به بیشترین حد در تاریخ این کشور رسیده است و در نتیجه ظرفیت زندانها، کامل و برای زندانیان جدید جای خالی وجود ندارد و طبق گزارش سازمان زندانهای انگلستان در ۸۵ زندان، از ۱۳۸ زندان بریتانیا (به استثنای اسکاتلند که ۱۶ زندان دارد و با روش جداگانه‌ای اداره می‌شود) تعداد افراد زندانی بیش از ظرفیت آنهاست و در یازده زندان بیش از یک هزار زندانی نگهداری می‌شود. در این باره زندان واندسورث^۱ در جنوب غربی لندن با ۱۴۶۴ زندانی، شلوغ ترین زندان بریتانیا است (طاهری شمیرانی، ۱۳۸۲، ص ۴۳). زندانیانی که محکوم به مجازات حبس می‌شوند بعد از سپری کردن مدتی در دوره محکومیت می‌توانند از تدابیری مانند آزادی مشروط، حبس در منزل و نظام نیمه آزادی بهره مند شوند. البته در ضمن اعطای این نهادها شرایطی مقرر می‌شود و چنانچه محکوم آنها را رعایت نکند ممکن است به زندان برگردانده شود. در انگلستان، نهاد عفو^۲ وجود دارد با این توضیح که پس از سپری کردن مدتی در زندان مشاهده شدن آثار اصلاحی در محکوم علیه به طور خودکار این نهاد اعطا می‌شود. به مرور زمان این نهاد تغییراتی را به خود دیده است تا جایی که نهاد عفو با در برگرفتن یک ششم از مجازات حبس شروع و تبدیل به نصف آن شده است (Willan, 2003, p. 747) آزادی تحت نظارت به موجب قانون عدالت کیفری ۱۹۶۷ به‌عنوان وسیله‌ای جهت کنترل جمعیت زندانیان

^۱ Wandsworth

^۲ Remission

ایجاد شد و ۱۹۶۸ به اجرا درآمد و تاکنون چندین بار اصلاح شده است. نهاد دیگر به منظور پرهیز از مجازات حبس نگهداری در منزل است به عنوان بخشی از قانون جرم و بی نظمی ۱۹۹۸ پیش بینی شد و به زندانیانی که محکومیت آنها سه ماه تا ۴ سال است اجازه می دهد که ۹۰ روز زودتر به طور مشروط یا غیرمشروط آزاد شوند منوط به اینکه باقی مانده مدت در منزل باشند و با دست بندهای الکترونیکی تحت نظارت قرار گیرند.

در پایان نتیجتاً هر چند که نهادهای مربوط به نظام نیمه آزادی کیفری فرانسه با آنچه که در نظام کیفری ایران تدارک دیده شده است از بعضی جهات متفاوت می باشد لیکن در بسیاری از موارد و لحاظ اینکه اجرت این گونه شیوه های نوین به جایگزین از زندان، مجازات را در بطن جامعه که تأثیرگذاری آن مناسب تر از محیط جرم زای زندان می باشد بر محکوم تحمیل می نماید در هر دو نظام کیفری ایران و فرانسه همسو می باشند.

۳- نقش مقام اجرای مجازات ها در تعلیق اجرای مجازات

فلسفه تعلیق اجرای مجازات، عدم اجرای مجازات های خفیف نسبت به مجرمان غیرخطرناک می باشد هر چند در حال حاضر، به لحاظ موفقیت آمیز بودن اجرای آن به جرم های جنایی نیز گسترش یافته است، تاسیس حقوقی تعلیق اجرای مجازات که پیدایش آن به کشور آمریکا بر می گردد، تحت تأثیر عقاید مکتب تحقیقی حقوق کیفری وارد قوانین کشورهای اروپایی و از طریق کشور فرانسه به قوانین کیفری ایران داخل شده است. (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۴، ص ۳۱۲) اینک این نهاد در هر یک از سه نظام حقوق مورد بحث مورد بررسی قرار می گیرد:

۳-۱- تعلیق اجرای مجازات در حقوق کیفری ایران

مطابق با ماده ۴۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ «در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویض صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می تواند پس از تحمل یک سوم مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.» براساس این ماده لزومی به تقارن صدور حکم با قرار تعلیق نیست به عبارت دیگر چنانچه مجرم در طول گذراندن دوران محکومیت از خود

حُسن رفتار نشان می‌دهد و درصدد اصلاح خویش برآید در صورت حصول شرایط مقرر در قانون وی می‌تواند از دادستان یا قاضی اجرای احکام تقاضای تعلیق نماید و خود این مقامات نیز چنانچه در طول دوران محکومیت شخص محکوم با نظارتی که آنها به زندان دارند و دریابند که آنها اصلاح شده اند می‌توانند از دادگاه صادر کنند. حکم قطعی تقاضای تعلیق باقیمانده مجازات وی را نمایند، در ارتباط با اینکه محکوم باید تقاضای خود را به قاضی اجرای احکام یا دادستان مجری حکم بدهد یا اینکه مستقیماً از دادگاه درخواست صدور قرار تعلیق اجرای مجازات نماید اداره حقوق قوه قضائیه^۱ در ارتباط با این مطلب آورده است «هر چند که طبق ماده ۴۹ ق.م.ا دادگاه می‌تواند ضمن حکم محکومیت یا پس از آن، قرار تعلیق اجرای مجازات صادر کند اما با عنایت به ماده ۴۶ قانون مذکور، چنانچه حکم محکومیت صادر و دادگاه فارغ از رسیدگی شود، فقط به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام یا محکوم چنانچه یک سوم مجازات اجرا شده باشد، دادگاه صادر کننده حکم قطعی می‌تواند با احراز شرایط مقرر در قانون، قرار تعلیق اجرای مجازات را صادر کند و بدون رعایت این شرایط، مجاز به صدور قرار تعلیق اجرای مجازات نیست» برخی از حقوقدانان نیز همین نظر مورد پذیرش قرار داده اند (صفاری و وارسته، ۱۳۹۴، ص ۷۶) و منع قانونی ندارد که محکوم تقاضای خود را مستقیماً به دادگاه صادر کننده حکم قطعی تقدیم نماید چرا که در حقوق کیفری ایران اصل بر عدم استقلال قاضی اجرای احکام است و قاضی اجرای احکام تصمیمات وی اکثر ا اداری است تا قضایی و تصمیم نهایی یعنی صدور قرار تعلیق مجازات با دادگاه صادر کننده حکم است با این نظر می‌توان خلاء قانونی را پر کند مبنی بر اینکه اگر متقاضی، درخواست خود را به قاضی و دادستان اجرای حکم داد و آنها مورد پذیرش قرار ندارند (این امر قابلیت اعتراض را ندارد)، و از استبداد قضایی نیز جلوگیری خواهد کرد و این نوع تفسیر به نفع محکوم می‌باشد و قانون این امر را منع ننموده است، (آقایی جنت مکان، پیشین، ص ۳۲۲) البته در صورتی که بپذیریم که دادستان یا قاضی اجرا مکلف است تقاضای شخص محکوم را بپذیرد و آن را به دادگاه صادر کننده حکم قطعی دهد جهت حفظ نظم قضایی نظر اول قابل دفاع است ولی مقنن در ماده ۴۶ ق.م.ا عبارت «می‌تواند» را به کار برده و نمی‌توان از این عبارت معنای الزام برداشت نمود، البته برخی نویسندگان معتقدند در صورت اجتماع شرایط قانونی برای استفاده از تعلیق اجرای مجازات دادستان ملزم است موضوع را به دادگاه اعلام نماید. (مصدق، ۱۳۹۵، ص ۲۵۷) مطلب بعدی به

^۱ نظریه ۴۷۷/۹۵-۷/۱۳۹۵/۳/۵-۱۳۹۵ اداره حقوقی قوه قضائیه

نظر می‌رسد اعمال مقررات این ماده با رعایت مقررات قانون آیین دادرسی کیفری امکان پذیر است و در نظام قضایی ما دادیار تابع دادستان است، لذا نمی‌تواند از دستورات وی سرپیچی کند و ذکر سمت قاضی اجرای احکام در کنار دادستان در این ماده، به این دلیل است که تا وقتی دادستان با قاضی اجرای احکام مخالفت نکرده، قاضی اجرای احکام رأساً می‌تواند از دادگاه تقاضای تعلیق اجرای مجازات نماید و این تقاضا منوط به اجازه‌ی دادستان نیست، اما اگر دادستان در پرونده‌ای با تعلیق اجرای مجازات مخالفت کند، قاضی اجرای احکام حق تقاضای تعلیق از دادگاه را ندارد. (مصدق، پیشین، ص ۲۵۷)

نکته بعدی چنانچه دادگاه قرار تعلیق اجرای مجازات را صادر کند و بعد از صدور قرار روشن گردد که محکوم علیه دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت‌های قطعی دیگری بوده و دادگاه برخلاف این ماده و بدون توجه به این محکومیت، اجرای مجازات را معلق کرده است دادستان یا قاضی اجرا مکلف به تقاضای لغو تعلیق از دادگاه خواهد بود و دادگاه، پس از احراز وجود سابقه قرار تعلیق را ملغی خواهد کرد، همچنین، چون مقررات تعدد جرم مانع از اجرای تعلیق در مورد این گونه مجرمان است، چنانچه احکام قطعی متعددی دال بر جرایم عمدی از سوی دادگاههای جزایی درباره یک نفر صادر شود که محکومیت معلق نیز در بین آنها وجود داشته باشد دادستان یا قاضی اجرای احکام وظیفه دارد فسخ قرار یا قرارهای تعلیق را از دادگاه صادر کننده بخواهد و دادگاه نسبت به فسخ قرار یا قرارهای مزبور اقدام خواهد نمود. (نوربها، ۱۳۹۶، ص ۴۲۶)

به موجب ماده ۵۵۱ ق.آ.د.ک «در صورت تعلیق اجرای مجازات، قاضی اجرای احکام کیفری محکوم علیه را احضار و در صورت عدم حضور بدون عذر موجه جلب می‌کند و با حضور محکوم علیه، دستور یا دستورهای دادگاه، چگونگی اجرا و ضمانت عدم رعایت آنها را به وی تفهیم و ابلاغ می‌نماید» با توجه به اینکه مقنن دو نوع تعلیق ساده و یا مراقبتی در نظر دارد مقررات مندرج در ماده ۵۵۱ قانون مذکور مربوط به تعلیق مراقبتی است و اجرای مقررات این ماده در ارتباط با تعلیق ساده کاری عبث است، برخی نویسندگان عقیده دارند که مقررات مربوط به جلب آن است که حداکثر ۲۴ ساعت باید نسبت به محکوم تعیین تکلیف نمود یعنی در اینجا قاضی اجرای احکام باید دستورات دادگاه و نحوه اجرا و ضمانت اجرای عدم رعایت آنها را به وی تفهیم و ابلاغ کند و چنانچه در مهلت ۲۴ ساعت تحت نظر بودن محکوم مجلوب، این تکلیف به محکوم انجام نشود، باید وی را آزاد و دوباره احضار و دوباره در صورت عدم حضور بی عذر موجه جلب نمود. (شاهچراغی و حاجیلو، پیشین، ص ۲۸۳) بنظر می‌رسد محکوم علیهی که

مجازات وی معلق شده تحت نظر قرار دادن وی جهت تفهیم دستور دادگاه فاقد وجاهت قانونی است چرا که سلب آزادی افراد خلاف اصل است و فقط هنگامی صورت پذیرد که قانون آن را جایز دانسته است و البته هرگونه تفسیر از موارد جواز باید به گونه‌ای باشد که ابهام و تردید به نفع آزادی افراد مورد تفسیر صورت گیرد^۱ در تأیید اصل فوق قانون آیین دادرسی کیفری یکی از مؤلفه‌های دادرسی منصفانه اصل قانونی بودن دادرسی کیفری دانسته است نکته بعدی اینکه قانون اساسی و اسناد بین المللی حقوق بشر، اصل برحق آزاد و امنیت شخص افراد و منع سلب آزادی به رسمیت شناخته و سلب آزادی را امر استثنایی تلقی نموده‌اند. (Steve Foster, 2006, p. 56) ماده ۴۹ ق.م.ا به صراحت از آزادی فوری محکوم نام برده است، براساس ماده ۵۵۲ «هرگاه محکوم علیه پس از سپری شدن حداقل شش ماه از مدت تعلیق اجرای مجازات، به طور مستمر حسن اخلاق و رفتار نشان دهد، قاضی اجرای احکام کیفری، مراتب را با پیشنهاد کاهش مدت تعلیق یا لغو تمام یا برخی از دستورهای تعیین شده به دادگاه صادر کننده حکم اعلام می‌کند. دادگاه در وقت فوق العاده در مورد پیشنهاد قاضی اجرای احکام کیفری تصمیم می‌گیرد.» لازم به اشاره است که چنانچه صلاحیت قاضی اجرای احکام و وضعیت شخص زندانی اقتضا نماید، قاضی اجرای احکام می‌تواند مجدداً تقاضا نماید. براساس تبصره ماده ۵۵۲ «در صورت عدم پذیرش پیشنهاد از سوی دادگاه، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند هر دو ماه یک بار مجدداً اجرای این ماده را به دادگاه پیشنهاد نماید». حال پس از موافقت دادگاه، به موجب ماده ۵۵۴ «قاضی اجرای احکام کیفری، پس از موافقت دادگاه با پیشنهاد موضوع ماده فوق، با أخذ تأمین متناسب از محکوم علیه، دستور اجرای تصمیم دادگاه را صادر و مراتب را به زندان اعلام می‌کند». پس از آنکه تعلیق اجرای مجازات‌ها تعیین گردید، اجرای آن منوط به قید دستوراتی است که در ماده ۵۵۵ ق.آ.د.ک مقرر شده است که این دستورات از سوی قاضی اجرای مجازات‌ها تعیین می‌شوند.

۲-۳- تعلیق اجرای مجازات در حقوق کیفری فرانسه

با توجه به شکست مجازات زندان، چنین نتیجه گرفته‌اند که زندان یک محل انبار یک تعداد افراد به عنوان زندانی است که برای مدتی از محیط عادی و متعارف تفکیک و در محل خاص نگهدار می‌شوند (Ross, 2009, p. 41). به همین دلیل قانونگذار فرانسه برای اولین بار در ۲۶ مارس ۱۸۹۱ در اواخر قرن ۱۹ تعلیق مجازات را مطرح نمود، در حال حاضر، قانون مجازات جدید فرانسه به موجب چهار قانون در تاریخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۲ به تصویب رسید که جایگزین

قانون مجازات عمومی ۱۸۱۰ معروف به کُد ناپلئون گردید و به موجب قانون از اول مارس ۱۹۹۴ به مورد اجرا گذارده شده است. تأسیس قانونی «تعلیق ساده» موضوع مواد ۳۹-۱۳۲ تا ۲۹-۱۳۲ گردیده است. به موجب ماده ۲۹-۱۳۲ قانون جدید دادگاه می‌تواند تحت شرایطی قرار تعلیق اجرای مجازات را صادر نماید. با صدور قرار تعلیق اجرای مجازات، رئیس دادگاه باید آثار ناشی از محکومیت ارتکاب احتمالی یک جرم جدید را در مهلت‌های پیش بینی شده در مواد ۳۷-۱۳۲ تا ۳۵-۱۳۲ را به متهم حاضر در دادگاه بدهد، قانون جدید فرانسه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی را وقتی مشمول قرار تعلیق می‌داند که متهم در طی مدت ۵ سال قبل از ارتکاب جرم جنایی یا جنحه‌ای از حقوق عمومی (عادی) به مجازات جنایی یا حبس جنحه‌ای محکوم نشده باشد.

چنانچه در طی مدت ۵ سال، محکوم علیه مرتکب جرم موجب فسخ قرار تعلیق نشود، محکومیت مورد تعلیق منتفی می‌گردد. برعکس با الغای قرار تعلیق، کیفر اولیه به مورد اجرا گذارده می‌شود. ولی دادگاه می‌تواند با صدور حکم مستدل در مورد جرم جدید به عدم الغای قرار تعلیق قبلی و یا تعلیق بخشی از آن و محدود ساختن مدت تعلیق اتخاذ تصمیم نماید، تعلیق مراقبتی نیز در حقوق فرانسه، موضوع مواد ۵۳-۱۳۲ تا ۴۰-۱۳۲ است. تعلیق مجازات موجب می‌شود تا بزهکاران عادی غیر خطرناک از آثار زیان بار محیط عملاً جرم زای زندان مصون بمانند و یا بزهکاران قربانی اولین ارتکاب جرم به سوی اصلاح و بازسازی و ندامت سوق داده شده و از ارتکاب جرم آنان پیشگیری به عمل آید. تعلیق مراقبتی، متضمن اقدامات تأمینی و تربیتی و مراقبتی از محکومین می‌تواند از صدور حکم تعلیق ساده مجازات‌ها مفیدتر بوده و با حمایت علمی و بیشتر از محکومین، از سقوط آنان در ارتکاب جرم جلوگیری نموده و وجبات هماهنگی بیشتر بزهکاران را با ضوابط عادی اجتماعی فراهم سازد. (گلدوزیان، ۱۳۹۶، ص ۴۴۸) در تعلیق آزمایش قاضی با توجه به موضوع شخصیت جرم می‌تواند این نوع تعلیق را در نظر بگیرد اما برخلاف تعلیق ساده که یکنواخت است او باید شرایط آزمایشی و مدت آن را تعیین کند. رژیم آزمایش برای محکوم علیه شامل رعایت اقدامات نظارتی (ماده ۴۴-۱۳۲) و برخی تعهدات مخصوصی است که یا در رای محکومیت (توسط قاضی صادر کننده حکم) و یا تصمیم مستقل قاضی اجرای مجازات تحمیل می‌شود ماده ۷۳۹ قانون آیین دادرسی فرانسه مقرر داشته که: «هنگامی که محکومیت با تعلیق توأم با آزمایش همراه می‌گردد، محکوم بنا بر شیوه‌های پیش بینی شده توسط ماده ۱۰-۷۱۲ تحت نظارت قاضی اجرای مجازات‌های صالح از لحاظ محل قرار می‌گیرد در طول مدت آزمایش، محکوم باید تدابیر نظارتی پیش بینی شده

توسط ماده ۴۴-۱۳۲ قانون جزا و مجموعه الزامات خاصی مذکور در ماده ۴۵-۱۳۲ قانون جزا که به طور ویژه توسط تصمیم محکومیت یا تصمیمی که می‌تواند همواره توسط قاضی اجرای مجازات‌ها در راستای مقررات ماده ۸۱-۷۱۲ گرفته شود بر او تحمیل می‌گردد را انجام دهد» البته آرای راجع به تعلیق مجازات‌ها بعد از نظر نماینده اداره زندان‌ها در پایان مذاکره توافقی برگزار شده در اتاق مشاوره که در جریان آن قاضی اجرای مجازات‌ها درخواست‌هایی می‌کند صادر می‌شوند و اگر محکوم در زندان باشد این مذاکره می‌تواند در مؤسسه زندان برگزار شود البته قاضی اجرای مجازات‌ها می‌تواند با موافقت دادستان شهرستان و محکوم یا وکیل او تدابیر نظارتی را بدون برگزاری یک مذاکره تراضی اعطاء نماید (این در موردی که خود قاضی اجرای مجازات‌ها اقدام به اتخاذ تدابیر فوق نماید) نکته بعدی در حقوق فرانسه در صورتی که محکوم از تدابیر در نظر گرفته شده تبعیت نکند قاضی اجرای مجازات‌ها می‌تواند راساً یا براساس درخواست دادسرا با فراری مستدل مدت تعلیق را تمدید و همچنین می‌تواند در شرایط پیش بینی شده در مواد ۴۹-۱۳۲ تا ۵۱-۱۳۲ قانون جزا تمام یا قسمتی از تعلیق را ملغی نماید.^۱ مطلب بعدی اینکه به موجب ماده ۷۴۴ ق.آ.د.ک فرانسه اگر محکوم به تبذیر نظارت و مددکاری و الزامات خاص تحمیلی در اجرای ماده ۷۳۹ عمل نکند و اگر باز پروری او مسلم باشد قاضی اجرای مجازات‌ها می‌تواند اعلام نماید که محکومیت صادره علیه وی، کان لم یکن است. قاضی اجرای مجازات‌ها می‌تواند بیش از اتمام مدت یکسال از روزی که محکومیت، قطعی شده است، به این منظور درخواست شود یا راساً اقدام کند. (سمیعی، ۱۳۹۴، ص ۱)

۳-۳- تعلیق اجرای مجازات در حقوق کیفری انگلستان^۲

در نظام کیفری انگلستان تعلیق اجرای مجازات از اختیارات قاضی دادگاه است، مضاف بر اختیارات دادگاه جزا، اداره تعلیق مراقبتی^۳ که اعضای آن را عمدتاً قضات دادگاه صلح تشکیل می‌دهند، اجرایی نمودن احکام محکومیت بزهکاران از جمله کنترل تعلیق مراقبتی، خدمات عمومی عام‌المنفعه، تعلیق ساده مجازات‌ها و پرداخت جریمه‌های نقدی را مورد نظارت قرار می‌دهد (بارکلی، پیشین، ص ۱۷). با این وجود، تصمیماتی که اداره تعلیق مراقبتی در زمینه

^۱ جهت دست یابی به قوانین فرانسه مراجعه نمایید به سایت www.legifrance.gouv.fr/affichcodp

^۲ Criminal Justice and Court Services Act. To see the act, refer to: <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/2000/43/section/4>.

^۳ Probation.

نظارت بر محکومیت‌های کیفری مورد اتخاذ قرار می‌دهد، جنبه نظارتی داشته و به شکل اعلام‌نظر منجلی می‌گردد. این اداره یکی از نهادهای دستگاه عدالت کیفری انگلستان را تشکیل می‌دهد که در حوزه اجرای برخی از مجازات‌ها مبادرت به انجام وظیفه می‌کند. هریک از ۵۵ منطقه تعلیق مراقبتی در انگلستان دارای یک کمیته مسئول تعلیق مراقبتی است. بیشتر اعضای این کمیته راقضات دادگاه‌های صلح محلی تشکیل می‌دهند. حدود ۷۱۵۰ مأمور تعلیق مراقبتی در پایان سال ۱۹۹۱، اجرای احکام محکومیت بزهکاران از جمله کنترل تعلیق مراقبتی، خدمات عمومی عام‌المنفعه، تعلیق ساده مجازات‌ها و پرداخت جریمه‌های نقدی را مورد نظارت قرار می‌دادند. بزهکاران زندانی نیز قبل و بعد از آزادی چه به صورت اجباری از منظر قانونی و چه به صورت داوطلبانه تحت کنترل و نظارت قرار می‌گرفتند. (همان) موجب بند ۴ قانون عدالت کیفری و خدمات دادگاه سال ۲۰۰۰، نهاد تعلیق مراقبتی در هریک از مناطق انگلستان یک شعبه محلی تعلیق مراقبتی دارد که به انجام وظایف قانونی می‌پردازد. لازم به تذکر است که براساس بند مرقوم از قانون یادشده، مناطقی که در آن نهاد محلی تعلیق مراقبتی دایر می‌گردد بسته به زمان و نظر وزیر کشور تغییر پیدا می‌نماید. مطابق بند یک ماده ۱۸۹ CJA 2003 دادگاه می‌تواند اجرای مجازات حبس ۲۸ تا ۵۱ هفته‌ای را به حالت تعلیق درآورد. بنابراین فقط مجازات حبس تا یک سال قابل تعلیق است. مدت زمان تعلیق بین شش ماه تا دو سال است. مطابق بند ۳ ماده ۷ CJA 1991 قبل از اتخاذ تصمیم راجع به تعلیق اجرای مجازات، مطالبه و بررسی گزارش قبل از مجازات ضروری است. دادگاه با ملاحظه این گزارش از جزئیات بیشتری در مورد شخصیت و سابقه اجتماعی مجرم آگاه خواهد شد.

تا قبل از سال ۲۰۰۳ تنها شرط لازم الرعایه در دوره تعلیق، عدم ارتکاب جرم بود. اکنون برابر ماده ۱۸۹ CJA 2003 دادگاه می‌تواند مرتکب را در دوره نظارت به یکی از الزامات مقرر در بند یک ماده ۱۹۰ CJA 2003 مکلف نماید. بنابراین تعلیق اجرای مجازات حبس در دو شکل ساده و مراقبتی اعمال می‌شود. تعلیق مراقبتی تدبیر رأفت آمیزی است که به عنوان فرصتی برای اصلاح مجرم، اتخاذ می‌شود. با این حال در صورت نقض قانون یا دستور دادگاه، محکوم را با خطر اجرای مجازات روبرو می‌سازد. بنابراین «رشته‌های آزادی و محدودیت در تعلیق مراقبتی به نحو غیرقابل تفکیکی در هم آمیخته‌اند. تعلیق مراقبتی اعطای فرصت به مجرمین است ولی فرصتی که محدودیت‌های شدید بر آن حاکم است.»

در تعلیق مراقبتی، محکوم علیه در مدت تعلیق علاوه بر عدم ارتکاب جرم، ملزم به رعایت دستورات دادگاه نیز می‌باشد. الزامات موردنظر قانونگذار مصادیق مجازات‌های اجتماعی است که

در بند یک ماده ۱۷۷ قانون مزبور نیز ذکر شده است. بدین ترتیب دادگاه می‌تواند ضمن تعلیق اجرای مجازات حبس، مرتکب را به انجام یک یا چند مورد از دستورهای ذیل ملزم نماید:

- ۱- شرط کار بدون مزد ۲- شرط انجام فعالیت خاص ۳- شرط شرکت در یک برنامه معین
- ۴- شرط ممنوعیت انجام یک فعالیت معین ۵- شرط منع رفت و آمد در ساعات معین ۶-
- شرط ممنوعیت از حضور در مکان معین ۷- شرط اقامت در مکان معین ۸- شرط درمان سلامت روانی ۹- شرط بازپروری برای افراد معتاد به مواد مخدر ۱۰- شرط درمان اعتیاد به مشروبات الکلی ۱۱- شرط نظارت (شخص بزهکار برای مدتی تحت نظر یک افسر مراقبتی و یا مددکار اجتماعی قرار خواهد گرفت) ۱۲- شرط حضور در مرکز مراقبت

از دیگر اختیارات دادگاه در رابطه با تعلیق اجرای مجازات، اختیار پیش بین بازنگری در دستور مجازات تعلیقی است، این بازنگری ممکن است به صورت دوره‌ای در مقاطع زمانی مشخص و در جلسه ویژه‌ای موسوم به «جلسه بازنگری» به عمل آید. همچنین دادگاه ممکن است مجرم را به شرکت در جلسات بازنگری ملزم نموده و مقام مسئول اجرای دستور را نیز مکلف سازد تا قبل از هر جلسه بازنگری، گزارشی را درخصوص نحوه پیشرفت مجرم در مورد الزامات اجتماعی مندرج در دستور، به دادگاه تقدیم نماید. به موجب ماده ۱۹۲ قانون مزبور در جلسه بازنگری، دادگاه پس از بررسی گزارشی دریافتی ممکن است الزامات اجتماعی موضوع دستور مجازات تعلیقی را مورد بازنگری قرار داده یا شرایط مربوط به اجرای هر یک از آنها را اصلاح نماید. دادگاه با استفاده از این اختیار و لزوماً با تمایل مجرم، قادر به تبدیل الزام اجتماعی به نوع دیگر یا اصلاح الزامات مربوط به درمان روان پزشکی، ترک اعتیاد و بازپروری یا ترک اعتیاد به الکل خواهد بود. تغییر دوره مؤثر در جریان بازنگری، از حدود اختیار قاضی خارج است. چنانچه قبل از برگزاری جلسه بازنگری، دادگاه به واسطه ملاحظه گزارش مقام مسئول، به رضایت بخش بودن پیشرفت مجرم در ارتباط با الزامات اجتماعی معتقد شود، می‌تواند جلسه بازنگری آن مرحله را لغو کرده یا مقرر دارد که از آن پس بازنگری بدون تشکیل جلسه به عمل آید.

بنابراین از بررسی سه نظام حقوقی ملاحظه می‌گردد اصل قضایی بودن مرحله اجرای احکام کیفری در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه نسبت به نظام حقوقی انگلستان بهتر رعایت شده است اما از نکات منفی در حقوق ایران در تعلیق اجرای مجازات قاضی اجرای احکام کیفری ایران تنها پیشنهاد دهنده است و نظر اصلی را دادگاه صادر کننده حکم قطعی می‌دهد.

۴- نقش مقام اجرای مجازات‌ها در آزادی مشروط

سیاستگذاران کیفری این آزادی را یکی از ابزارهای مقابله با تکرار جرم شناخته‌اند، بازپروری، تشویق به داشتن حسن رفتار در زندان و تعدیل نابرابریها و تبعیض‌های کیفری از جمله کارکردهای این نهاد می‌باشد (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲)، قاضی در هنگام و تعیین مجازات حبس، نمی‌تواند میزان دقیق مجازات را در اصلاح بزهکار پیش‌بینی کند. بعد از اجرای مقداری از کیفر، بهتر می‌تواند این تأثیر را مورد ارزیابی قرار دهد. و این مقصود، موکول به انتخاب درست و مقدمات وسایل امر می‌باشد. تشکیل پرونده شخصیت برای تک تک زندانیان و ثبت نحوه رفتار و سلوک آنها باعث می‌شود که اگر در مرحله‌ای از مدت حبس زندانی، مربیان و کارشناسان متخصص تشخیص دهند که زندانی تنبیه شده و توانایی بازگشت به بستر جامعه و خانواده را دارد ولی هنوز مدت مجازات وی سپری نشده است، فرد مجرم را با شرایطی آزاد نمایند که از آثار سوء زندان بر زندانی بکاهند. (شیکر، ۱۳۹۰، ص ۲۳۴)

۴-۱- آزادی مشروط در حقوق کیفری ایران

این نهاد برای اولین بار به موجب ماده واحده «قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان» مصوب ۲۳ اسفند ماه ۱۳۳۷ وارد قوانین کیفری ایران شد. سرانجام با تصویب ق.م.ا. ۹۲ قانونگذار آخرین اراده خویش را در خصوص آزادی مشروط در مواد ۶۳-۵۸ بیان کرده است. نظام آزادی مشروط در قانون مذکور دستخوش تغییرات عمده ای شده است از جمله اینکه در قانون پیشین این آزادی در تمام مجازات‌های حبس مصداق داشته و شروط استفاده محکوم از این نظام این بوده است که برای بار اول مرتکب جرم شده و معادل نصف مجازات را تحمل کرده باشد؛ اما در این قانون، این روش تغییر کرده و مقرر شده کسی مستحق استفاده از نظام آزادی مشروط است که در حبس‌های تعزیری بیش از ۱۰ سال نصف کیفر و در سایر موارد یک سوم آن را تحمل کرده باشد، طبق صراحت ماده ۵۸ ق.م.ا. اولاً حکم به آزادی مشروط اختصاص به حبس‌های تعزیری دارد و شامل حبس‌های حدی نمی‌باشد. و ثانیاً اعطای آزادی مشروط به محکومان از اختیارات محاکم محسوب می‌شود لذا محکوم نمی‌تواند در صورتی که مرجع قضایی تصمیم به اعطای آزادی مشروط نگیرد تجدیدنظرخواهی نماید. ثالثاً به عنوان یک قاعده کلی دادگاه زمانی می‌تواند حکم به آزادی مشروط بدهد که شخص محکوم حداقل یک- سوم مجازات حبس خود را تحمل کرده باشد. البته در صورتی که مجرم به مجازات حبس از ده

سال محکوم شده باشد، در این صورت بایستی حتماً نصف مدت مجازات خود را تحمل کرده باشد، زمانی می‌توان حکم به آزادی مشروط داد که تمامی شرایط زیر به نحو توأمان تحقق یابد.

۱. حسن اخلاق و رفتار: قانونگذار در میان محکومان به حبس کسانی را شایسته آزادی مشروط شناخته است که در مدت مجازات به طور مستمر از خود حسن اخلاق و رفتار نشان داده باشند. (بند الف ماده ۵۸)

۲. اطمینان از عدم ارتکاب جرم: دادگاه از اوضاع و احوال محکوم دریابد که پس از آزادی مرتکب جرم نخواهد شد. (بند ب ماده ۵۸) حصول اطمینان عدم تکرار جرم قابل پیش‌بینی نیست مگر پس از مراجع به پرونده شناسایی شخصیتی که شورای طبقه‌بندی با کمک مددکاران و متخصصین علوم پزشکی، روانپزشکی، روانشناسی در خصوص هر زندانی تشکیل می‌دهد.

۳. جبران ضرر و زیان متضرر از جرم: ضرر و زیان مدعی خصوصی از مصادیق الزام‌های مالی است که بزه‌کار مکلف است تریبی برای پرداخت آن بدهد، اما اگر محکوم علیه معسر شناخته شود امکان استفاده از این نهاد برای او وجود دارد (بند پ ماده ۵۸)

۴. استفاده نکردن از آزادی مشروط: نداشتن سابقه محکومیت به مجازات حبس برای استفاده از آزادی مشروط شرط نیست. و کافی است که محکوم علیه تا به حال از این نهاد استفاده نکرده باشد. (بند ث ماده ۵۸)

تأیید دارا بودن شرایط آزادی مشروط توسط قاضی اجرای احکام باید مواعد مقرر وضعیت زندانی را درباره تحقق شرایط مورد اشاره در ماده ۵۸ بررسی و در صورت احراز و تأیید آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم کند.

۴-۲- آزادی مشروط در حقوق کیفری فرانسه

به مانند تعلیق اجرای مجازات، دو ماهی کلیدی و مهم در خصوص نقش قاضی اجرای احکام کیفری در نهاد آزادی مشروط اولاً ماده ۶-۷۱۲ و سپس ماده ۷-۷۱۲ است. به موجب ماده‌ی اول «آرای راجع ... آزادی مشروط بعد از نظر نماینده اداره زندانها در پایان مذاکره ترافی برقرار شده در اتاق مشاوره که در جریان آن قاضی اجرای مجازات‌ها درخواست‌های دادسرا و ملاحظات محکوم و در صورت اقتضاء توضیحات وکیل وی را، استماع می‌کند، صادر می‌شوند». از طرفی تعیین‌کننده بودن قاضی فوق‌الذکر در صدور آزادی مشروط در بسیاری از

مصادیق خود بسیار مهم است. ثانياً در مواردی نیز که در صلاحیت دادگاه اجرای مجازات‌ها است نیز به نحوی می‌باشد که نقش مشورتی قاضی اجرای مجازات‌ها در آن تعیین کننده است. زیرا به موجب ماده‌ی ۷-۷۱۲ «تدابیر راجع به ... آزادی مشروط ... که در صلاحیت قاضی اجرای مجازات‌ها نیست، با رأی موجه دادگاه اجرای مجازات‌ها که براساس درخواست محکوم، درخواست‌های دادستان شهرستان یا به ابتکار قاضی اجرای مجازات‌ها - که محکوم در اجرای مقررات ماده ۱۰-۷۱۲ او را مورد درخواست قرار می‌دهد - مورد ارجاع قرار می‌گیرد...». به موجب ماده ۱۰-۷۱۷ از قانون این کشور « هنگامی که با تدبیر ... آزادی مشروط موافقت شده است، از لحاظ محلی، قاضی اجرای مجازات‌های دادگاه حوزه‌ای که در حوزه آن، محل احضار محکوم یا اقامتگاه عادی او - که در تصمیم موافقت کننده با تدبیر، معین می‌شود - وجود دارد، صالح محسوب می‌شود». در پیاده سازی و نظارت نیز در این ماده قاضی اجرای ذیصلاح تعیین شده است. این نظارت در پیاده سازی نهاد آزادی مشروط تا بدانحاست که در ماده‌ی ۱۹-۷۱۲ مقرر شده است که این قاضی می‌تواند بازداشت محکوم مشمول آزادی مشروط را صادر نماید «در صورت عدم رعایت الزاماتی که بر عهده محکوم موضوع تعلیق توأم با آزمایش، تعلیق با انجام خدمات عام المنفعه، تعقیب اجتماعی - قضایی، نظارت قضایی، تعلیق یا تقسیط مجازات یا آزادی مشروط، گذاشته شده است، قاضی اجرای مجازات‌ها می‌تواند بعد از نظر دادستان شهرستان به بازداشت موقت محکوم دستور دهد»، نکته دیگری که در خصوص عملکرد قاضی اجرای مجازات و دادگاه مرتبط در ماده‌ی ۷۳۲ ق.آ.د.ک مقرر شده است، زیرا به موجب این ماده «تصمیم آزادی مشروط، شیوه‌های اجرا و شرایط اعطاء یا حفظ آزادی و ماهیت و مدت تدابیر مددکاری و نظارت را معین می‌کند. اگر تصمیم توسط دادگاه اجرای مجازات‌ها گرفته شود، این دادگاه می‌تواند پیش بینی کند که بین دو تاریخ معین، آزادی در روز تعیین شده توسط قاضی اجرای مجازات‌ها خواهد بود در طول مدت آزادی مشروط، محتوای تصمیم می‌تواند با توجه به تفکیک‌های ماده ۷۳۰، بعد از نظر واحد بازپروری و تعلیق مراقبتی اداره زندان‌ها، توسط قاضی اجرای مجازات‌های صالح در اجرای این تصمیم یا پیشنهاد این قاضی، توسط دادگاه اجرای مجازات‌ها تغییر داده شود». به علاوه بر اساس ماده‌ی ۷۳۳ «در صورت محکومیت جدید، بدرفتاری آشکار، نقض شرایط یا عدم رعایت تدابیر مذکور در تصمیم اجرای آزادی مشروط، این تصمیم می‌تواند با توجه به تفکیک‌های ماده ۷۳۰ توسط قاضی اجرای مجازات‌ها یا دادگاه اجرای مجازات‌ها بنابر شیوه‌های پیش بینی شده توسط مواد ۶-۷۱۲ یا ۷-۷۱۲ لغو گردد. هنگامی که تصمیم آزادی مشروط جنبه اجرایی به خود نگرفته است و هنگامی

که محکوم شرایط قانونی انتفاع از آزادی مشروط را فراهم نکند، وضعیت به همین صورت خواهد بود.»

۴-۳- آزادی مشروط در حقوق کیفری انگلستان

انگلستان نخستین کشوری است که در قرن نوزدهم از آزادی مشروط تحت عنوان روش تدریجی ایرلندی استفاده کرده و مجرمین انگلیسی در زمانی که سرزمین آمریکا و پس از آن استرالیا مستعمره بریتانیای کبیر به شمار می‌رفت معمولاً به عنوان مجازات در این مستعمرات تبعید و حبس می‌شدند. کیفر حبس در این مستعمرات تابع نظامی تدریجی و چند مرحله‌ای بود که به تدریج از شدت آن کاسته می‌شد. و بالاخره با جمع آمدن شرایطی پس از طی مدتی معین به زندانی تبعید شده «برگه آزادی» اعطا می‌شد، که در واقع پاداش رفتار خوب محکوم در مدت تحمل مجازات به شمار می‌رفت. با دریافت این برگه زندانی از حبس خارج می‌شد لکن پیش از اتمام دوره مجازات حق خروج از مستعمره را نداشت (آقامجیدی، ۱۳۷۷، ص ۶)، با سر آمدن دوران تبعید به شکل فوق در سال ۱۸۴۰ و جایگزین شدن مجازات حبس با اعمال شاقه در سال ۱۸۵۳ استفاده از آزادی زودرس از طریق اعطای «برگه آزادی» همچنان با تغییراتی در مورد مجازات اخیر ادامه پیدا کرد. پیش از دهه ۱۸۵۰ تعداد کمی از محکومین که به حبس در داخل کشور محکوم می‌شدند می‌توانستند با شرایطی پس از طی نیمی از مجازاتشان با برخورداری از نوعی عفو از تحمل بقیه مجازات بدون هرگونه شرطی معاف شوند. مقررات عفو مذکور در ربع آخر قرن نوزدهم چندین بار تغییر کرد (ولیدی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۱) و بالاخره در سال ۱۹۰۷ در مورد محکومین به حبسهای عادی نیز قابل اعمال شناخته شد. با این تفاوت که محکومین به حبس با اعمال شاقه به خاطر ارتکاب جرایم مهم پس از برخورداری از این عفو از آزادی بدون قید و شرط برخوردار نمی‌شدند. بلکه همواره تا پایان مدت مجازاتشان در صورت بد رفتاری در معرض خطر بازگشت به زندان قرار داشتند، بنابراین ملاحظه می‌شود که عفو مزبور که در مورد دسته اخیر از زندانیان اعمال می‌شد با آزادی مشروط یا «پرول» که بعدها در این کشور مورد استفاده قرار گرفت شباهت زیادی داشت و در واقع شکل ابتدایی و ساده آن بود. در سال ۱۹۴۸ بالغو مجازات «حبس با اعمال شاقه»، غیر از محکومین به حبس ابد و محکومین سابقه دار، تمام زندانیان می‌توانستند پس از طی مدتی از مجازات حبس، بدون قید و شرط از آزادی برخوردار شوند. بالاخره در سال ۱۹۶۷ با تصویب قانون عدالت کیفری، نظام آزادی مشروط به شکل کنونی آن به حقوق انگلستان راه یافت. البته زمینه اندیشه اولیه نظام

مزبور در واقع در سال ۱۹۶۵ فراهم گردیده بود. زیرا در آن سال پیشنهاد استفاده از آزادی مشروط در کنار عفو مزبور در پیش نویس اول قانون ۶۷ مطرح شده بود. این نظام از اول آوریل ۱۹۶۸ در انگلستان و ویلز به اجر گذارده شد. (پرادل، ۱۳۷۳، ص ۷۷)

هیأت آزادی مشروط،^۱ با تصویب قانون عدالت کیفری ۱۹۶۷ ایجاد شده است نقش مهمی را در فرآیند اجرای مجازات ایفاء می‌کند. به این مناسبت، معمولاً برای اعطای آزادی مشروط اختیاری، وضعیت زندانی توسط این نهاد مورد بررسی قرار خواهد گرفت. مطابق با قانون مذکور این هیأت اعضای بسیاری زیادی داشت، به طوری که این هیأت تشکیل شده بود از ۱۰۷ عضو که عبارتند از: نخست وزیر، دو قاضی دادگاه، هجده رئیس کلانتری، هجده روانپزشک، چهار جرم شناسی، نه مأمور تعلیق مجازات، پنجاه و پنج نفر از افرادی عادی که مستقل و بی طرف باشند اما مطابق با بند ۲ فهرست ۱۹ از قانون عدالت کیفری سال ۲۰۰۳،^۲ اعضای هیأت آزادی مشروط عبارتند از: A. یک فرد که منصب قضایی دارد و یا داشته است؛ B. یک پزشک متخصص که روانپزشک است؛ C. شخصی از سوی وزارت کشور که در حوزه تعلیق و دوره پسا مراقبت از زندانیان رهایی یافته از آگاهی و تجربه برخوردار است؛ D. شخصی از سوی وزارت کشور که متخصص در حوزه دلایل وقوع انحرافات و جرایم و نحوه رفتار با مجرمان می‌باشد. همانطور که از نظر گذشت در میان اعضای هیأت آزادی مشروط نیز الزاماً یک مقام قضایی وجود دارد.

نکته بعدی اینکه هیأت آزادی مشروط به عنوان یکی از اجزای نهاد اجرای احکام کیفری (مجازات سالب آزادی) در انگلستان امکان اتخاذ تصمیم مستقلانه در قبال اعمال آزادی مشروط را ندارد؛ منظور آن است که نهاد یاد شده، در موارد مصرح قانونی (اعطای آزادی مشروط یا فراخوانی افراد به زندان)، صرفاً مبادرت به اعلام نظر به وزیر کشور می‌کند و سرانجام این وزیر کشور است که تصمیم نهایی را اتخاذ می‌نماید.

در این خصوص لازم به ذکر است، مطابق با بند ۳ قواعد ناظر بر آزادی مشروط سال ۲۰۱۱،^۳ نهاد مزبور در مواردی که وزیر کشور به او ارجاع می‌دهد، تصمیم‌گیری می‌نماید. همچنین بر حسب ماده ۲۳۹ قانون عدالت کیفری، اجرایی شدن تصمیماتی نهاد آزادی مشروط بسته به

¹ Parole board

² To see the schedule, refer to: <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/2003/44/schedule/19>.

³ The Parole Board Rules. To see these rules, refer to: <http://www.legislation.gov.uk/ukis/2011/2947/contents/made>.

نظر وزارت کشور است. بنابراین، اگر چه نهاد آزادی مشروط مطابق با ارجاعی که وزیر کشور در خصوص آزادی زندانیان یا فراخوانی آن‌ها به زندان اعلام می‌کند، تصمیم‌گیری می‌نماید، اما اجرایی شدن این تصمیم وابسته به نظر وزیر کشور است.

در نظام کیفری انگلستان نیز مدت زمانی که به عنوان مجازات مجرم در نظر گرفته می‌شود، تقریباً همیشه طولانی‌تر از مدتی است که در عمل، تحمل می‌کند. در شرایط و وضعیت معمول، زندانی پس از تحمل بخشی از مجازات، حسب مورد بدون قید شرط یا به صورت مشروط آزاد می‌شود. مدت زمانی که باید لزوماً در زندان سپری شود، با توجه به میزان و ماهیت مجازات تعیین شده، متغیر است. اعطای آزادی پیش از موعد به زندانیان در برخی موارد اجباری و در برخی موارد اختیاری است. به طور کلی در رابطه با نحوه و زمان برخورداری از آزادی پیش از موعد، زندانیان را می‌توان به: ۱- محکومان به حبس کمتر از دوازده ماه- آزادی این گروه از زندانیان پس از گذراندن نیمی از مدت مجازات به طور خودکار و بدون قید و شرط صورت می‌گیرد. بنابراین در این مورد اعطای آزادی مشروط، حق زندانی محسوب شده و امری قهری و اجباری است. ۲- محکومان به حبس از دوازده ماه و بیشتر- این دسته از محکومان نیز پس از سپری شدن نیمی از مدت مجازات، به صورت مشروط از آزادی بهره‌مند می‌شوند. تا قبل از وضع CJA 2003 بین زندانیان با محکومیت دوازده ماه تا چهار سال تقسیم کرد:^۱

بنابراین همانطور که مورد بررسی قرار گرفت در حقوق کیفری ایران و فرانسه با ایفای قاضی اجرای احکام کیفری، اجرای نهاد پیش‌گفته پیگیری و تحت کنترل قرار می‌گیرد اما در حقوق کیفری انگلستان نهاد مذکور با خاصیتی اجرایی ساز کار قضایی در آن کمرنگ است البته عدم استقلال در تصمیم‌گیری قاضی اجرای احکام کیفری ایران از معایب قانونگذاری در این زمینه می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تحولات کیفر و سیاست‌های کیفری ناظر به محکومان به زندان باعث اهمیت یافتن تخصص در اجرای نهادهایی است که بسته به وجود شرایط، باعث صدور حکم به خروج موقت و مشروط

¹ The Parole Board Rules. To see these rules, refer to:
<http://www.legislation.gov.uk/ukis/2011/2947/contents/made>.

زندانیان از زندان می‌شود. با بررسی نهادهای مرتبط در کشورهای سه گانه می‌توان چنین نتیجه گرفت که شیوه‌ی نهاد قاضی اجرای احکام در نظام کیفری ایران و فرانسه به صورت یک تأسیس مستقل مورد پیش‌بینی قرار گرفته است، ولی در نظام جزایی انگلستان غالباً اعطای آزادی موقت از زندان با تأیید مقام اجرایی و نه قضایی صورت می‌گیرد، لذا می‌توان در این کشور مشخص یافت که آزادی موقت زندانیان، تصمیمی اداری-اجرایی است و نه قضایی، و حداقل در نهاد مجوز آزادی موقت در این کشور شخص فرماندار^۱ در صدور آن نقش تعیین کننده‌ای دارد. لذا قضاات دادگاه‌های صادرکننده مجازات تنها در اعطای نهادهای چون تعلیق و آزادی مشروط ایفای نقش می‌کنند. دو بعدی بدن اجرایی-قضایی اعطای آزادی موقت به زندانیان در انگلستان وصف مهمی است که آن را از کشورهای فرانسه و ایران متمایز می‌سازد. لذا به نظر می‌رسد که جهت‌گیری وظایف و اختیارات قاضی اجرای مجازات‌ها در فرانسه کاملاً قضایی، در انگلستان در مواردی کاملاً قضایی و در مواردی اداری-اجرایی، و در حقوق ایران عمدتاً نظارتی و اجرایی است و میزان تصمیم‌گیری‌های قضایی آن محدود می‌باشد. به طور خاص در حقوق کیفری ایران، بویژه در نهادهای آزادی مشروط و نیمه آزادی، چنین به نظر می‌رسد که عمده‌ی وظایف قاضی اجرای احکام حول محور نظارت‌گرایی بر اجرای احکام است. این نظارت به نحوی است که به پیشنهاد برخی نهادهای ارفاق آمیز حین اجرای کیفر حبس و یا صدور رأسا از سوی این نهاد منتهی می‌گردد. ارائه‌ی گزارش از اجرای برخی نهادها و نیز فراهم‌سازی مقدمات اجرای برخی کیفرها باعث می‌گردد که چارچوب وظایف و اختیارات این قاضی اجرای مجازات‌ها روشن تر گردد. رویکرد حقوق کشورهای فرانسه و انگلستان حاکی از آن است که خروج موقت محکومان از زندان‌ها به معنای عام خود، عاملی در بازسازی و تقویت ورود مجدد بزهکار به جامعه و فراهم‌سازی مقدمات ایفای محکومان در برنامه‌هایی است که جایگاه ویژه‌ای دارا هستند. در عین حال تحمیل برخی از دستورات اصلاح مدار به کارکرد بازپذیرسازی خروج موقت زندانیان کمک شایانی می‌کند. این در حالی است که در حقوق ایران، خروج موقت زندانیان با چالش‌های مختلف اجرایی عملی روبرو است و از این حیث تحقق اهداف کلانی که از آزادی موقت زندانیان موردنظر است محقق نگردند.

لزوم توجه به اصل تخصص‌گرایی در عملکرد قضاات اجرای احکام نسبت به نهادهای مبتنی بر خروج موقت زندانیان: با توجه به اصل تخصص‌گرایی که امروزه در

^۱ Governor

جوامع مدرن در تمام علوم و شئون زندگی صنعتی قابل مشاهده و درک می‌باشد و اهمیت اجرای احکام و به ویژه کیفر حبس، پیشنهاد می‌گردد قاضی اجرای احکام مختص به حبس مستقل و منفک از سایر قضات اجرای احکام مستقر در ندامتگاه‌ها با نظارت مستقیم بر محکومان و اتخاذ تصمیم مناسب تاسیس گردد.

ضابطه مند سازی پیاده سازی وظیفه‌ی نظارت بر نهادهای مبتنی بر خروج موقت از زندان از سوی قضات اجرای احکام و یا نهادهای اجرایی - اداری درگیر در آن: با توجه به تکثر انواع کیفرها در حقوق امروزه و نیز از آنجا که نهادهای ارفاق آمیزی که باعث می‌شوند شخص از زندان آزاد گردد، چنین به نظر می‌رسد که شأن نظارتی قضات اجرای احکام اولاً از حیث وظایفی که به لحاظ نظارت و از منظر درون سازمانی دارا هستند و ثانیاً از منظر دامنه‌ی نظارت و نوع وظایفی که دیگر نهادها در جهت مساعدت به نظارت بهتر دارا هستند بیان و مشخص گردد.

فهرست منابع:

الف - منابع فارسی

- ۱- آخوندی، محمود، **آیین دادرسی کیفری**، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۹۵،
- ۲- احمدی موحد، اصغر، **اجرای احکام کیفری**، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۷،
- ۳- آقا مجیدی، میترا، مطالعه تطبیقی آزادی مشروط در حقوق ایران و انگلستان (پایان نامه کارشناسی ارشد) دانشگاه شهید بهشتی، ۷۷-۱۳۷۶
- ۴- بارکلی، گوردن، **نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز**، مجله تحقیقات حقوق (ترجمه نسرين مهرا)، پاییز ۷۴ تا بهار ۱۳۷۵، شماره ۱۶ و ۱۷،
- ۵- بختیاری اصل، لیلا، **بررسی تطبیقی وظایف و اختیارات قاضی اجرای احکام در حقوق کیفری ایران و فرانسه**، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تبریز، ۱۳۹۴؛
- ۶- پرادل، ژان، **تاریخ اندیشه‌های کیفری**، ترجمه دکتر علی حسین ابرند آبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی با همکاری یلدا، چاپ اول ۱۳۷۳،

- ۷- تاج زمانی، دانش، حقوق زندانیان و علم زندان ها، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، تهران.
- ۸- خواجهوند چتن، مظاهر و حامد صفایی آتشگاه، تحولات نظام نیمه آزادی در سیاست کیفری ایران، مجله حقوق دادگستری دوره ۸۰، شماره ۹۶، زمستان ۱۳۹۵.
- ۹- دعاخوان، سیدرضا، جایگاه قاضی اجرای احکام، نخستین کنگره بین المللی حقوق ایران، تهران، مرکز همایشهای توسعه ایران، ۱۳۹۴؛
- ۱۰- رضایی، غلامحسین، راهبردهای تعلیق و تعویق در فرآیند کیفری، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۱۱- شاهچراغ، سیدحمید و حسن حاجیلو، شرح قانون آیین دادرسی کیفری (اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمین و تربیتی و ...) انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- ۱۲- شیکر، دیوید، مفهوم و ماهیت مجازات، مترجم حسین آقای جنت مکان، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- ۱۳- طاهری شمیرانی، وضعیت زندانهای انگلستان، مجله اصلاح و تربیت، مهر ۱۳۸۲، شماره ۱۹.
- ۱۴- مجیدی بیدگلی، صفاکیش کاشانی؛ کبری، سمیه، آسیبهای ناشی از مجازات زندان، مجله حقوقی گواه، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۱۱.
- ۱۵- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، تاریخ تحولات حقوق کیفری، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، تهیه و تنظیم از مهرداد رایجیان اصلی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۷۸-۷۹.
- ۱۶- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی (واکنش علیه جرم)، جلد چهارم، چاپ دوم، نشر داد، ۱۳۷۵.
- ۱۷- هادی، مهدی و سیدجعفر کاظم پور، مرخصی زندانی؛ حق یا امتیاز، فصل نامه پژوهش‌های حقوقی قضایی، شماره نخست، بهار ۱۳۹۷.
- ۱۸- بابایی، محمدعلی و میثم غلامی، مهمترین جلوه‌های کیفرزدایی در قانون جدید مجازات اسلامی، پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی، سال اول، شماره سوم، ۱۳۹۱، ص ۷۴.
- ۱۹- محمدنژاد، پرویز، بررسی و نقد مقررات مربوط به مرخصی زندانیان، مجله مجلس و راهبرد، ۱۳۸۲، شماره ۳۸، ۱۳۸۲.

- ۲۰- ابراهیمی، شهرام و ایزدی، عبدالله، مطالعه تطبیقی و راهبردهای اصلاحی و درمانی در مرحله اجرای مجازات زندان در ایران و کانادا، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری دانشگاه گیلان، سال سوم، شماره دوم، ۱۳۹۱،
- ۲۱- اسپنسر، جی آر، آیین دادرسی کیفری در انگلستان؛ ترجمه و تحقیق محمد رضا گوردزی جهرمی و لیلا مقدادی، جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۴
- ۲۲- آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات بینابین، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۲۳- آقایی جنت مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی، انتشارات جنگل، جلد دوم، چاپ چهارم، ۱۳۹۴،
- ۲۴- آبرشت، یورگ، تورم جمعیت زندانها؛ در جست و جوی کارآمدترین راه حل ها، ترجمه و تحقیق حسین میرمحمدصادقی و همکاران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۵.
- ۲۵- بختیاری اصل، لیلا، بررسی تطبیقی وظایف و اختیارات قاضی اجرای احکام کیفری در حقوق کیفری ایران و فرانسه، استاد راهنما: دکتر اسمعیل رحیمی نژاد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، ۱۳۹۴،
- ۲۶- خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، نشر شهردانش، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
- ۲۷- رفاهی، سید علی اصغر، وظایف و اختیارات قاضی اجرای احکام در حقوق فرانسه و مقایسه آن با حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران مجتمع آموزشی عالی قم، ۱۳۸۲
- ۲۸- رودسرابی، حسن، قضائی شدن مرحله اجرای احکام، پایان نامه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱،
- ۲۹- سمیعی، سمیرا، تعلیق اجرای مجازات در قانون مجازات اسلامی و تطبیق آن با حقوق فرانسه، پایان نامه کارشناسی ارشد (دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی)، ۱۳۹۴
- ۳۰- شکرچی زاده، محسن، آیین دادرسی کیفری انگلستان؛ قاعده اقتضاء تعقیب، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۴

- ۳۱- صفاری، علی و حمید وارسته، تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط (در رویه قضایی)، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- ۳۲- صلاحی، جاوید، نقش قاضی در اجرای مجازات ها، مجله کانون وکلا، شماره ۱۳، ۱۳۵۴
- ۳۳- قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه عباس تدین، (به پیشنهاد معاونت آموزش قوه قضاییه)، انتشارات خرسندی، چاپ دوم، ۱۳۹۴
- ۳۴- گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، انتشارات سینا و حقوقی میزان، چاپ بیست و سوم، بهار ۱۳۹۶
- ۳۵- مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی، انتشارات جنگل، جلد اول، چاپ نهم، ۱۳۹۵
- ۳۶- میری، سید رضا، آیین دادرسی کیفری تعقیب کیفری؛ بررسی تطبیقی در نظام عدالت کیفری ایران و انگلستان، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۰؛
- ۳۷- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی (تجدیدنظر شده دکتر عباس شیری) انتشارات بنیاد حقوقی میزان چاپ اول، بهار ۱۳۹۶،

ب- منابع لاتین

- 1- Angle Devlin «temporary licen». Prison patter. Waterside press.pp.113 & ndash. 114. 1996
- 2- 2-Ross, J. I., & Richards, S. C. Beyond Bars: Rejoining society after prison. New York: Alpha/ Penguin Group. 2009
- 3- 3-United Nations, Compendium of United Nations Standards and Norms in Crime Prevention and Criminal Justic, 1990
- 4- Handbook of Policing. Edited by TIM NEWBURN. Willan :2003 -. 4
- 5- Sevdiren, Oznur, Alternatives to Imprisonment in England and Wales, Germany and Turkey, New York, Springer, 2011,
- 6- 6-Steve Foster, (2006), Human Rights and civil Liberties- Oxford university press
- 7- Leka, Adrian. «Alternative measures of Punishment and the Role of the probation service, for their Right Implementtion», European journal of social Law, no, 2, 2014,

ج-سایت های اینترنتی

- 1- www.legislation.gov.uk/ukis
- 2- www.legifrance.gouv.fr/affichcodp

Archive of SID

